

بنی صدر حرف خود را در مورد عاملین ترور توماج و همزمان پس گرفت اما:

باز هم حقیقت را به مردم نگفت!

در صفحه ۲

اسنادی که در صفحات ۲ و ۳ چاپ شده است، نشان می دهد که شخصی به نام حسین استیکی رفقای شهید را روز ۲۲ بهمن از زندان ولی عصر تحویل گرفته است.

مروری بر مناظره تلویزیونی

حاکمی از آن بود که سازمان از عملکرد خود و از تمام کارهایی که در ترکمن صحرا صورت گرفته است تا به آخر دفاع می کند و از قوی ترین موضع حکومت را به مبارزه طلبیده است.

لازم می دانیم فقط کلی ترین مسائلی را که در رابطه با این مناظره مطرح شده است توضیح دهیم. دعوت به مناظره - تلویزیونی از جانب سازمان غیر مترقبه بود. این دعوت

تاکنون دهها هزار نامه و یادداشت به سازمان رسیده است. فرصت بیشتری می خواهد که یکایک آنها بررسی و نتایج جمع بندی شود. ما در آینده چنین خواهیم کرد. اما اکنون

بقیه در صفحه ۵

گرامی باد یاد رفیق شهید مسعود احمدزاده

برای فدائیان خلق ماه اسفند، ماه خون و حماسه است.

احمدزاده، عباس مفتاحی، اسدالله مفتاحی، حمید توکلی و غلامرضا گلوی که امروز اعدام شدند از افراد گروه سیاهکل و شرکت کنندگان در واقعه ترور شهید فرسی بودند.

رژیم این شش رزمیده دلیر خلق را از گروه سیاهکل معرفی کرد و با اینکار وحشت خود را از معرفی نام سازمان چریکهای فدائی خلق، نشان داد.

در تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هر ماه، بانام چند شهید فدائی همراه است و در این میان اسفند، ماه خون و حماسه است.

در اسفندماه نزدیک به ۴۰ تن از فدائیان خلق، خونین و پر خروش چشم در افق امید و دل با خلق پیروز مند سرسبز خاک میهن نهادند و به خون خفتند.

ما یاد این رفقا را گرامی می داریم و سخن بیشتر در این باره را به شماره آینده وامی گذاریم.

سحرگاه ۱۱ اسفند ۶۶ تن از پایه گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران توسط دژخیمان رژیم منگور شاه - به جوخه اعدام سپرده شدند. روزنامه های وابسته آن روز با تیترهای درشت نوشتند که مسعود احمدزاده، مجید



تا وقتی دشمن مردم مسلح است مردم هم باید مسلح باشند

در سرمقاله "کار" شماره ۴۷ گفتیم که بنی صدر ضمن کوشش برای تجزیه نیروهای انقلابی و مترقی و زیر فشار گرفتن انقلابیون کمونیست می کوشد نیروهای سرکوب دولتی و در راس همه ارتش اسلامی شده را تقویت کند. در مناظره تلویزیونی هم او کوشید مسئله خلع سلاح را به محور بحث تبدیل کند.

بنی صدر در طول مناظره نشان داد که می خواهد تقویت ارتش را زیر پوشش خلع سلاح گروه های مسلح به پیش ببرد. او برای مقبول جلوه دادن حرف های خود کوشش کرد خود را پای بند به خواست توده ها جلوه دهد و نقشه خود را به نا، بقیه در صفحه ۲

ارتش بیست و نهمی لیونی ایجاد باید کرد

بدنبال یکسال پیکار شوراهای دهقانان

بلاخره قانون اصلاحات ارضی

از تصویب گذشت دهقانان ترکمن در این مبارزه

بهرساند و در صد اجرای آن برآید. بدون تردید پیشنهاد دولت بازرگان هرگز زیر بار نظیر آن نمی رفت و اساساً در یک سال گذشته حکومت آمادگی پذیرش آن را نداشت نتیجه افزایش آگاهی و تشکلی دهقانان و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما است که در روستاها، شکل مبارزه علیه زمینداران بزرگ و مصادره زمین های آنان را دارد.

در این پیروزی مقدماتی مبارزات درخشان دهقانان ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانان متشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانی بقیه در صفحه ۱۳

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، در رشد و گسترش خود توانست شعار باز پس گرفتن زمین های غصبی را به شعار مبارزه با زمینداری بزرگ ارتقاء دهد و جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما را عمیق و وسعتی دیگر بخشد.

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و دهقانان زحمتکش سراسر ایران برای عملی ساختن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" به رغم همه دسیسه ها و اقدامات ضد دهقانی زمینداران بزرگ و سرمایه داران و به رغم همه تهاجمات که جناح های سی از حاکمیت برای سرکوب دهقانان و حفظ منافع غارتگران انجام دادند، جمهوری اسلامی ایران را وادار کرد که طرح

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

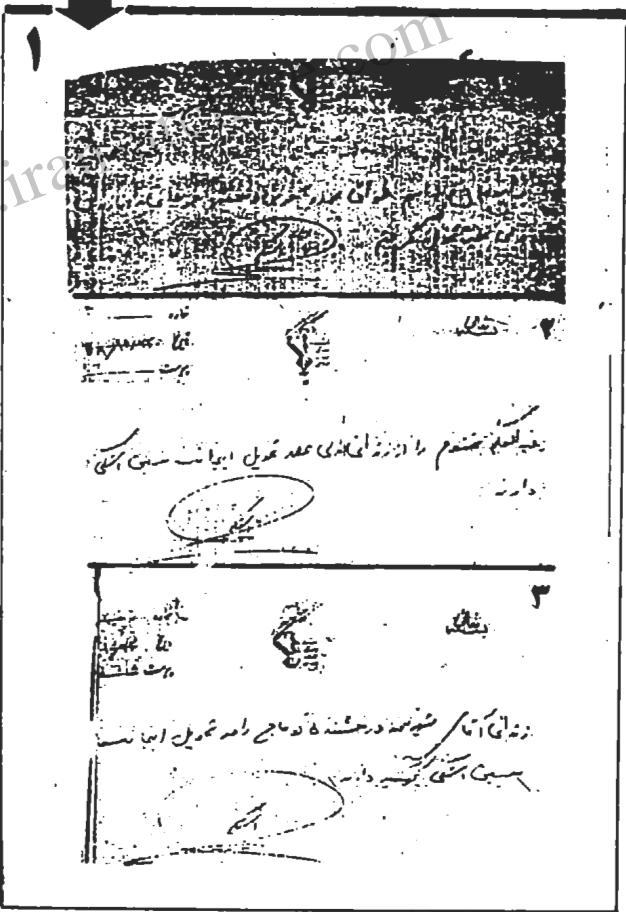
بنی صدر

حرف خود را در مورد ...

بقیه از صفحه ۱

هم بنی صدر کوشید بگوید چون رفقا در درگیری ها شرکت داشتند بنا بر این می بايست محاکمه می شدند. او همیشه عمدا فراموش می کند که رفقا را قبل از درگیری بازداشت کرده بودند و ادعای بنی صدر در مورد شهادت آنها در درگیری های مسلحانه ادعایی است که صرفا برای منحرف کردن افکار مردم و حقانیت تراشیدن برای همگان جریانهای فاشیستی درون سپاه پاسدازان، فدائیان خلق همراه با همه مردم آگاه و مبارز ایران خواستار افشای بلا درنگ عاملین این جنایت فجع هستند. ما اعلام می کنیم همه کسانی که به هر نحوی از انحاء بکوشند حقایق مربوط به این جنایت را تحریف کنند آشکارا به حمایت و همدستی با جنایتکاران برخاسته اند و در عمل شریک جرم آنها محسوب می شوند. همه کسانی هم که در برابر این جنایت سکوت کنند یا موضع قاطع در برابر آن نگیرند، عملا آب به آسیاب امپریالیسم رنخته اند و این جریانهای تروریستی در درون هیئت حاکمه را یاری کرده اند که به شکار و ترور انقلابیون ادامه دهند.

این سه سند که همه به خط حسین استیگی است نشان می دهد که نامبرده روز ۲۲ بهمن هر چهار رفیق را تحویل گرفته است



متن سند شماره (۱) تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲ زندانیان به اسم طواق محمد واحدی و حسین جرجانی را از زندان ولی عصر تحویل گرفتیم. استیگی

بقیه در صفحه ۳

تا وقتی دشمن مردم ...

مردم عنوان کرد. حرف و نقشی که اساسا و عمیقا به زبان مردم است. سلاح از دست مردم خارج کردن و سپردن آن به دست ژاندارمری های ارتشی که بند بند وجود آن دست پسرورده امریکاست کجایش به نفع مردم ما است؟ بنی صدر تحت پوشش این حرف که ما تسلیم زور نمی شویم می خواهد با داد و بیداد "زور" را به مردم تحمیل کند. او با تجاها از بیان این حقیقت طفره می رود که وقتی سلاح فقط در دست ارتشی باشد که توده های نیست و فرمان آتش در اختیار و انحصار فرماندهان آن است، فرماندهانی که با هزاران رشته به امپریالیسم امریکا پیوند دارند، قدرت واقعی در دست ارتش خواهد بود و حرف ارتش و کسانی که مهار ارتش را در دست دارند به پیش خواهد رفت. بنی صدر در حرف ادعای انقلابی گری دارد و می گوید می خواهد انقلابی رفتار کند اما در عمل فلاحی ها و شاکرها و مدنی ها و علوی ها و باقری ها را از فدائیان و مجاهدان، این انقلابیون جان برکفی که سالها با رژیم شاه جنگیدند، "انقلابی تر" و "مردمی تر" می داند. او می خواهد که توپ و تانک و مسلسل در دست امثال فلاحی و شادمهرز و علوی باشد. ما می گوئیم خیر، مردم به هیچ وجه حاضر نیستند وسیله کشتار خود را در اختیار امثال فلاحی ها و علوی ها بگذارند چگونه از مردم انتظار دارید به مدنی، علوی، به شاکر و باقری و شادمهر اعتماد کنند؟ یک مارکسیست - لنینیست نمی تواند معتقد باشد که به جای طبقه کارگر و دیگر متحدین او در انقلاب، به جای توده مردم، عناصر مارکسیست - لنینیست قشون مسلحی را باید تشکیل دهند که از حکومت مردم و از پیروزی آنها دفاع کنند. بحث ما اصلا بر سر مسلح بودن احزاب و سازمان های سیاسی نیست. بحث بر سر این است که آیا مردم دست خالی می توانند برابر دشمنان نشان که ن دندان مسلح اند، از حق خود دفاع کنند یا نه؟ اگر دست خالی نمی توانند، پس چگونه می توانند از حقوق خود دفاع کنند؟ آقای بنی صدر می گوید "ما همین ارتش را درست می کنیم و به او می گوئیم از منافع مردم دفاع کن". اما می گوئیم این ارتش را آنطور که شما می گوئید فقط می توان برای سرکوب مردم، برای کودتا و برای خدمت به سرمایه داران و امپریالیسم درست کرد. تنها خود مردم هستند که در یک ارتش منظم بیست میلیون و مسلح که تمام افراد آن کار می کنند و در تولید شرکت دارند، متشکل می شوند و از منافع خود دفاع می کنند. آری، این بیست میلیون مردم ایران باید در شوراها و برای مردمی متشکل شوند و این شوراها مسلح از استقلال میهن و از منافع زحمتکش دفاع کنند.

بحث ما بر سر مسلح کردن شوراها واقعی کارگران و دهقانان است. این چکیده حرف های ماست. بنی صدر می خواهد با تقویت ارتش از یک طرف و پیشبرد خلع سلاح مردم در پوشش خلع سلاح انقلابیون کمونیست از طرف دیگر مردم را با یک نیروی مسلح جدا از مردم که بنا به ماهیت خود نمی تواند مردمی باشد، روبرو سازد و ما می گوئیم با توجه به تجارب انقلاب های شکست خورده و پیروزمند جهان، با توجه به تجارب مربوط به نهضت مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، کودتای شیلی، اندونزی و دهها نمونه دیگر، با توجه به حماسه نبرد خلق ویتنام، مردمی که مسلح و متشکل هستند و تنها مردمی که به نیروی مسلح خود متکی هستند قادرند از استقلال میهن، از آزادی خود و از حاکمیت خود دفاع کنند. خلع سلاح مردم و در اختیار گذاشتن سلاح زیر فرمان ژنرال هایی که نه تنها هیچ سابقه مبارزاتی و مردمی ندارند، بلکه همگامی دست پرورده و دست پخت مستشاران امریکائی و اسرائیلی هستند، بزرگترین خطر را برای جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما به بار خواهد آورد.

باید برای مردم مسئله را وسعا توضیح داد، باید مسئله را برای آنها درست طرح کنیم، تا بدانند که وجود اسلحه و مهمات در دست فرماندهان ارتش به سود آنان است یا در دست ارتش بیست میلیون، ارتشی که از خودشان تشکیل شده و رهبری آن هم در دست خودشان است؟

بقیه از صفحه ۱

بنی صدر
حرف خود را در مورد...

۲- تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲
عبدالحکیم مختوم را از زندان ولی عصر تحویل اینجانب استیکسی دادند.
استیکسی

۳- تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲
زندانی آقای شیرمحمد درخشنده توماج را تحویل اینجانب حسین استیکسی دادند.
استیکسی

این سند نشان می دهد که رفقا را روز ۱۹ بهمن، واحد عملیات سپاه پاسداران تحویل گرفته است.

متن سند شماره (۲)
محل امضاء تاریخ ۵۸/۱۱/۱۹
چهار نفر زندانی را بطور...
اشیرمحمد درخشنده توماج
عبدالحکیم مختوم
واحد عملیاتی

این سند نشان می دهد که روز ۲۲ بهمن "حسین استیکسی" برای تحویل گرفتن زندانیان به پادگان ولی عصر معرفی شده است.

متن سند شماره ۳
فرمانده پادگان ولی عصر
بدینوسیله حسین استیکسی
را جهت انتقال زندانی به کنگبد
معرفی می نماید.

گوشه ای از حقایق
درگیری های خونین کنگبد
از زبان
سید مهدی طباطبائی
دادستان انقلاب اسلامی مازندران

حجت الاسلام طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی مازندران، روز سه شنبه ۷ اسفند ماه ۵۸ طی اعلامیه ای که به نام دادستان کل انقلاب اسلامی مازندران صادر شد، ضمن تأکید جعل مهربان دادستانی از طرف سپاه پاسداران عامل اصلی درگیری های کنگبد را سپاه پاسداران اعلام کرد. این اطلاعیه در اخبار ساعت ۱۹/۰۰ تلویزیون پخش شد. ایشان در آخرین مصاحبه های خود، حقایق بیشتری از کشتار خلق ترکمن و ترور انقلابیون ترکمن صحرا را به پیشگاه مردم قهرمان ایران ارائه کرده اند.

"کار" به جهت اهمیت موضوع بخشی از سخنان ایشان را به چاپ می رساند.

باری - سید مهدی طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی استان مازندران دیروز در مورد حوادث کنگبد، درگیری های خونین کنگبد معلول عدم هماهنگی در اتخاذ تصمیم بین فرماندار و سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب کنگبد بوده است.

رویکردی که در مازندران به سوی این انقلاب و آزادی مردم مازندران شکل گرفته و این حقیقت است که من از نمایندگی رایج در دادستان استیکسی است. این حقیقت است که من از نمایندگی رایج در دادستان استیکسی است. این حقیقت است که من از نمایندگی رایج در دادستان استیکسی است.

سندی که استاندارد و مسئول سپاه از "افشای" آن درمانده بودند

در مناظره تلویزیونی یکشنبه، استاندار مازندران و نمایندگان سپاه پاسداران ادعا کردند که اسنادی در اختیار دارند که براساس آن می توانند اثبات کنند که ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با فتوایها ارتباط و پیوند دارد. همگان آن صحنه را به خاطر دارند که استاندار و نمایندگان سپاه پاسداران در ارائه اسناد درماندند و تنها به یک برگ از اسناد به دست آمده در ستاد مرکزی اشاره نمودند. هرچقدر ما تقاضا کردیم که متن اسناد عاشری در

| | |
|---------|---------|
| ۱- ... | ۲- ... |
| ۳- ... | ۴- ... |
| ۵- ... | ۶- ... |
| ۷- ... | ۸- ... |
| ۹- ... | ۱۰- ... |
| ۱۱- ... | ۱۲- ... |
| ۱۳- ... | ۱۴- ... |
| ۱۵- ... | ۱۶- ... |
| ۱۷- ... | ۱۸- ... |
| ۱۹- ... | ۲۰- ... |
| ۲۱- ... | ۲۲- ... |
| ۲۳- ... | ۲۴- ... |
| ۲۵- ... | ۲۶- ... |
| ۲۷- ... | ۲۸- ... |
| ۲۹- ... | ۳۰- ... |
| ۳۱- ... | ۳۲- ... |

در مقابل نمایندگان سازمان سندی را ارائه دادند که پیوند سپاه پاسداران را با عوامل رژیم شاه و ساواکی ها

به اثبات می رساند. اینک عین سند را ما برای اطلاع دقیق تر مردم قیام کننده مهابهان به چاپ می رسانیم.

چه کسانی مسئول کشتار مردم

در تظاهرات و راهپیمائی های مسالمت آمیز است ؟

● رهبران باندهای سیاه و عاملین کشتار مردم و انقلابیون

آزادانه به فعالیت مشغولند

می شد. این دستجات از کسولگری امریکا که در حال حاضر محل استقرار پاسداران است سازماندهی شده بود و نیروهای حمله کننده از پاسداران مستقر در کسولگری امریکا، کمیته بازرسی، کمیته مرکزی و عده ای از فالانژها بودند. آنها بعد از حمله و ضرب و شتم سوارچند ماشین شدند و به کسولگری رفتند.

آنچه که از گزارش فوق برمی آید، چهره های شناخته شده ای که از آغاز قیام تاکنون تنها با مهر پالیسم امریکا و دشمنان مردم ما خدمت کرده اند، نقش سازماندهی داشتند. در این میان نقش "حمید سلیمی" عامل دستگیری و طراح نقشه قتل رفیق بیژن نوری که در کار شماره

دنبالشان می کنند و چند نفر از جمله شاطر یوسف را دستگیر می کنند. در این موقع او سلاحش را می کشد و شروع به تیراندازی به طرف جمعیت می کند که تعدادی زخمی می شوند (حدود ۴ الی ۵ نفر

چهره های شناخته شده ای از افراد کمیته ای معروف به کمیته بازرسی بودند. این افراد عبارت بودند از "شاطر یوسف" رسول، علی شیردل، تهرانچی و زلفی که در ضمن مسلح به کلت بودند.

در این موقع جمعیت یکی از آنها به نام رسول را دستگیر کرده و به داخل کوچه می برند. در این هنگام شاطر یوسف و دارودسته اش شروع به تیراندازی می کنند و رسول هم کلتش را می کشد و شروع به تیراندازی می کند. آنها سر کلت را طوری می گیرند که گلوله ها با فاصله کمی از بالای سر جمعیت رد می شود و گاهی هم زیر پای جمعیت شلیک می کردند. ضمناً تعداد زیادی پاسدار در لباس شخصی که مسلح به زنجیر، چاقو و کلت بودند و چاقوهایشان را به پاسته بودند نیز به جمعیت حمله

شوند. به محض دادن شعار از طرف جمعیت، دسته ۱۰۰ نفری که در کنار ساکت ایستاده بودند شروع به دادن شعار کردند "سلام پیروز است، چپو راست نابود است"، "مرگ بر فدائی".

جمعیت از میدان ارک بطرف خیابان طالقانی شروع به حرکت کرد. در این فاصله دسته ۱۰۰ نفری خود را به جلو صف رساندند و سعی داشتند جلوی حرکت صف را بگیرند و مانع ورود آن به خیابان خمینی شوند. ولی جمعیت همچنان به راه خود ادامه داد و سرپیچ تقاطع طالقانی و خمینی ترافیک سنگینی ایجاد شده بود. در این اثنا که فالانژها در قسمت مقابل صف قرار گرفته بودند، شروع به حمله کردند. چند نفر از آنها با ساطور به وسط جمعیت حمله

در اعتراض به کشتار خلق ترکمن و فاجعه ترور رهبران ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه تبریز، از مردم آگاه و مبارز تبریز دعوت کرد که در راهپیمائی روز ۹ بهمن ماه شرکت کنند.

مسئولین برگزاری این راهپیمائی، به فرمانداری تبریز مراجعه می کنند و از مقامات مسئول بطور کتبی می خواهند که اجازه برگزاری راهپیمائی و تأمین امنیت آن را صادر کنند.

مقامات مسئول با دریافت تقاضا نامه رسمی سازمان، با برگزاری مراسم موافقت می کنند.

شروع راهپیمائی ساعت ۳ بعد از ظهر بیش از

عناصر باندهای سیاه را هر کجا که می شناسید

به مردم معرفی کنید. نباید فرصت داد افعال

جنایتکارانه این عناصر مزدوری کیفر بماند.

۳۵ شرح مفصل این رادرج کرده ایم، قابل تأکید است. حضور آزاد و فعال این عوامل در یورش مسلحانه به راهپیمایان تبریز، دلیل محکمی است بر این که این عوامل از جانب جناح چپسی از حاکمیت مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند و اساساً در جهت اهداف امپریالیسم امریکا و تحکیم سلطه آن سازماندهی شده اند. یورش مسلحانه این باند ها به صفوف راهپیمایان تبریز تاکنون دو تن کشته و صد هاتن زخمی به جا گذاشته است و بدون شک عدم اقدامات جدی چهار طرف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست وجه از جانب مقامات رسمی می تواند ابعاد فاجعه باریتری را به بار آورد.

امروز دیگر ماهیت حمله به میتینگ ها، تظاهرات و فاش سازی سازمان های انقلابی و ضد امپریالیست برای مردم منهن ما آشکار شده و نفرت همگان را برانگیخته است. شکار نیروهای انقلابی که اینک هر روز در چهار گوشه منهن ما اتفاق می افتد، اتحاد عمل نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را در مقابله با باندهای سیاه بیشتر از هر زمانی ضروری می سازد و بدیهی است که می باید در جهت تحکیم و تقویت چنین اتحاد عملی حرکت کرد.

زخمی می شوند). هواداران سازمان که می بینند درگیری خشن شده می گویند: "آنها را اول کنید و پراکنده شوید". در این موقع آمبولانس می رسد و زخمی ها را به بیمارستان می برد، پاسدارها هم به طرف بیمارستان رفته و عده ای دم در بیمارستان ایستاده و عده ای دیگر وارد بیمارستان می شوند که دکترها آنها را بیرون می کنند.

در این موقع دیگر جمعیت در دستجات کوچکی در سطح شهر پراکنده شده بودند و بعد از یک ساعت راهپیمائی در گوشه و کنار شهر تجمع کرده و حادثه را برای مردم توضیح می دادند.

آنها از قبل تدارک دیده بودند چون تعدادی از کمیته ای ها از جمله "حمید سلیمی" یا موتور گشت می دادند و رفقا را شناسائی کرده و گزارش می دادند و پاسداران آنها را دستگیر می کردند.

در موقع حمله فالانژها مردم به آنها می گفتند "شما با چاقو داران رژیم قبلی چه فرقی دارید؟". در اثر حمله آنها شهر متشنج شده بود. بطوری که مردم می ترسیدند از خانه بیرون بیایند. مثلاً یک زن جلوس دخترانش را که به قصد خرید می خواستند از خانه بیرون بروند، گرفته بود و مانع

چهره های شناخته شده ای از افراد "کمیته بازرسی" از جمله

شاطر یوسف، رسول، علی شیردل، تهرانچی، زلفی و حمید سلیمی

در میان مهاجمان بودند. آنها همه کلت بسته بودند.

می کنند. جمعیت که می بیند آنها به طرفشان شروع به تیراندازی می کنند پراکنده می شوند و مهاجمان جمعیت را دنبال می کنند. عده زیادی که در اثر پرتاب سنگ و آجر زخمی شده بودند به داخل مغازه های اطراف پناه می برند. در این موقع جمعیت به چهار پنج دسته ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفری تقسیم شده و به طرف دانشگاه، خیابان فردوسی و تربیت حرکت می کنند و شروع به دادن شعار می کنند. در این میان دسته بزرگی تشکیل می شود که با نظم به طرف دانشگاه حرکت می کردند که در چهار راه آبرسانی به آنها حمله مسلحانه می شود. جمعیت که به خشم آمده بودند با شجاعت تمام

کردند و وحشیانه در حالی که چشمهایشان را بسته بودند در میان جمعیت پیچ می خوردند. جمعیت آنها را دستگیر و بعد از گرفتن ساطورهایشان آزادشان کردند. جمعیت به راه خود ادامه می داد که عده ای با زنجیر و چاقو به آن حمله ور شدند. بعد از خیابان فردوسی فالانژها شروع به پرتاب سنگ و آجر به طرف جمعیت کردند که عده ای به شدت زخمی شدند ولی صف همچنان حالتش را حفظ کرده و به راه خود ادامه می داد. دسته ای از فالانژها که در جلو صف بودند مانع حرکت آن می شدند. در این موقع با چاقو و زنجیر به صف حمله می کنند. در میان آنها

۲۰ هزار نفر در میدان ارک، محل تجمع راهپیمایان گرد می آیند و در مسیر تعیین شده راهپیمائی را آغاز می کنند. آنها شمار می دهند: عوامل جنگ افروز، در کردستان، در گنبد، در پیشگاه مردم اعدام باید کردند آمریکا، آمریکا، مرگ به نیرنگ تو... خون شهیدان ما می چکد از چنگ تو. شعار هرفدائی، استقلال کار، مسکن، آزادی. راهپیمایان به زبان ترکی نیز شمارهایی می دادند که عبارت بودند از: زحمتکشها متحد شوند آمریکا نابود شود. کارگران به کار برسند دهقانان به زمین، آمریکا نابود شود، سرمایه داران نابود

باندهای سیاه را با قدرت تمام افشا کنیم و نابود سازیم



مرور کوتاهی بر مناظره...

بقیةماز صفحه ۱

اما خوب می دانستیم که شوراهای ترکمن صحرا و رهبران فدائی آن در ترکمن صحرا چه کرده اند. حکومت چه کرده است و مردم چه قضاوت خواهند کرد. مشکل همیشه برگ برنده از پیش نزد ما بود فقط می بایست می فهمیدیم که از آن در کجا و چگونه استفاده کنیم و به مردم نشان دهیم که جنگ افروز کیست؟ حامی فتوئال کیست و هدست ساواک و سرکوبگر کدام نیروها هستند.

دعوت ما بنی صدر را در بن بست قرارداد. پس از اعلام سازمان اگر بنی صدر می پذیرفت و شرکت می کرد، نتایج حدوداً همین می شد که شوواگر رد می کرد و نمی پذیرفت، چون خودش همواره طراح آن بوده و از آن دفاع کرده بود مردم به خوبی متوجه می شدند که چون کارهای حکومت در ترکمن صحرا جایی برای دفاع ندارد، بنی صدر به مناظره تن نداد.

مناظره در شرایطی از جانب سازمان پیشنهاد شد که سهل تبلیغات پیروز هر آنگاه را دیوب تلویزیون علییه فدائیان سراسر ایران را پوشانیده بود و بخصوص بعد از کوچ مردم گنبد و اشغال کامل شهر توسط سپاه پاسداران در اوج خود بود.

جنبش انقلابی یکی از درخشان ترین کارنامه ما را در ترکمن صحرا ارائه داده بود و همین موجب شده بود که بیش از هجری دیگر مورد حمله همه جناح های مترجم و

بمقد بنی صدر از شرکت در مناظره کوشش در جهت حل مسائل خلق ترکمن نبود. او در تمام طول مناظره کوشید به مسئله خودش برسد و آن هم مسئله خلع سلاح مردم بود.

جنگ افروز: زمینداران، سرمایه داران و سودگرونیست های هیئت حاکمه قرار گیرند. ولی بعد از افشای جنایت پاسداران و ترور رهبران شوراهای ترکمن صحرا موضع بنی صدر به شدت تضعیف شد. او در این مورد حرفی برای گفتن نداشت و به همین منظور یک هفته مناظره را به تعویق انداخت.

بمقد بنی صدر از شرکت در مناظره کوشش در جهت حل مسائل خلق ترکمن نبود. او در تمام طول مناظره کوشید به مسئله خودش برسد و آن هم مسئله خلع سلاح

محمود افشارگری " آنها علیه فدائیان پرسشنامه ای بود که ستاد شوراهای روستائیان تنظیم کرده بود و موضوع نکالات به قدری عالی بود که خود به بهترین وجهی از زبان استاندار نشان داد که چگونه سازمان می گوشت از مردم بهاموزد تا بتواند مردم را در پی کار علیه دشمنان هدایت کند. ارائه پرسشنامه افتخاری شد برای سازمان ما. علاوه بر این نماینده سپاه پاسداران که تلاش می کرد ستاد را بسا فتوئال ها مربوط سازد، مفتضحانه شکست خورد. در عوض رابطه پاسداران با رئیس ساواک گنبد با ارائه سند به معرض قضاوت عموم گذاشته شد و به نحو شایسته ای اثبات شد.

و با اقدامات فاشیستی خود مثل صدور دستور حمله به راهپیمایی ۱۹ بهمن و تیرباران رهبران شوراهای ترکمن صحرا در خدمت ارتجاعی ترین طبقات درآمدی است. اما اکثریت توده پاسدار و یک بخش از رهبری آنها را باید از بقیه سوا کرد. مناظره به توده مردم آموخت که ارتش خطرناک ترین نیروی سرکوب است. شخص بنی صدر نیز از این مناظره ضرر نکند. صرف حضور فدائیان خلق که در ذهن توده ها به عنوان سرسخت ترین مبارزین شناخته شده اند، در کنار بنی صدر برای بنی صدر یک امتیاز بود. به ویژه که بنی صدر گاهی می کوشید خود را از مناظره کنار بکشد و بزهای قیام ما بانه بگیرد. بنی صدر با پذیرش دعوت ما به مناظره مطابق ذهنیت توده ها و خواست آنان عمل کرد. توده ها می خواهند همه حرفها را بشنوند و خودشان در مورد هر یک قضاوت کنند. با این مناظره سازمان خیز نوینی در سطح جریان های

نمایند سپاه پاسداران که تلاش می کرد ستاد را با فتوئال ها مربوط سازد، مفتضحانه شکست خورد. در عوض رابطه پاسداران با رئیس ساواک گنبد با ارائه سند به معرض قضاوت عموم گذاشته شد.

مدعی مارکسیسم به پیش برداشت. مناظره موقعیت سازمان را در جنبش کمونیستی ایران بیش از پیش تحکیم بخشید. قضاوت توده ها و استقبال مردم از سازمان و تأیید حقانیت آن در تحکیم موقعیت سازمان در درون جنبش کمونیستی نقش درجه اول داشته است. به نحوی که حتی اپورتونیسیم چپ و اپورتونیسیم راست فرصت نیافتند علیه سازمان سپاشی کنند.

مناظره مشخصاً مبارزه طبقات را در تمام محیط های اجتماعی (در کارخانه، در مزرعه، در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها) دامن زده و گسترش داده است. گسترشی که مشخصاً در جهت ارتقا آگاهی توده های دهقانی بطور اخص و ارتقا آگاهی دمکراتیک همه توده ها بطور اعم عمل کرده است.

پرسش و پاسخها و توضیحات رفقا و حتی پاسخ های بنی صدر و دیگر حکومتگران به توده ها نشان داد که چگونه فدائیان شعار زمین، شعار تضمین حق آزادی اجتماعات و تظاهرات، شعار تشکیل ارتش خلق، شعار افشا و طرد و سرکوب دوستان و جاسوسان امپریالیسم را از یک سال پیش تا کنون پیگیرانه مطرح و در راه آن مبارزه کرده است. مناظره به درستی به توده ها نشان داد که فدائیان خلق پیگیرترین مدافع منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش اند، که فدائیان خلق پیگیرانه برای مصادره زمین های زمینداران به نفع دهقانان مبارزه میکنند. مردم دیدند که ما سرسخت ترین مدافع دمکراسی و حقوق خلقها هستیم. مردم فهمیدند که فدائیان قاطع ترین دشمن سرمایه داری و امپریالیسم هستند و بنی صدر و بطور کلی همه نمایندگان هیئت حاکمه در بسیاری موارد تنها در برابر اراده مردم و تعرض نیروهای انقلابی است که مجبور می شوند به نفع

مناظره مشخصاً مبارزه طبقات را در تمام محیط های اجتماعی، در کارخانه ها، در مزرعه، در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها بیشتر کرده و گسترش داده است.

توده ها قدم بردارند. اگر مبارزه یک ساله دهقانان ترکمن صحرا و فعالیت های خستگی ناپذیر فدائیان نبود، اکنون مصادره زمین های زمینداران ترکمن صحرا به سود زحمتکشان از جانب حکومت به رسمیت شناخته نمی شد و اگر مبارزات فدائیان بود یگر نیروهای انقلابی نبود حکومت حاضر نمی شد اعلام نماید که سلب کنندگان آزادی و امنیت تظاهرات و اجتماعات مردم مورد پیگرد قرار خواهند گرفت.

نقش مکرر این حقوق و بی توجهی های مداوم هیئت حاکمه به خواست مردم، به تجربه به آنها نشان داده است که تنها وقتی خود مردم بسیج و متشکل شوند و مبارزه کنند دولت به خواست هایشان تن خواهد داد.

بنی صدر در این قسمت به کمک استاندار شتافت. اما تلاش های او نیز نتوانست غریبی را که سر نوشت محتومش غرق شدن بود، نجات دهد. بنی صدر تلاش می کرد بگوید که فدائیان جنگ مسلحانه راه انداخته اند. او در طرح این مسئله زرنگی خاصی از خود نشان داد. بدین صورت که وقتی ما پرسیدیم "دلیل شما چیست؟" برای اثبات این حرف گفت: "حوادث گذشته گنبد و کردستان و جاهای دیگر" و وقتی ما خواستیم توضیح بدهیم که این شما بودید که شروع کردید، بنی صدر گفت: "این مربوط می شود به قسمت دوم" و با این ترتیب حرف خودش را زد بدون این که جوابش را همانجا در یافت کند.

در قسمت دوم مردم همه دیدند که حمله به راهپیمایی سازمان و به دنبال آن تحمیل جنگ به خلق ترکمن یک توطئه از قبل سازمان یافته بوده که از تهران و از مرکز سپاه پاسداران هدایت می شده است. توطئه ای که شوم ترین صحنه آن ترور ناجوانمردانه رفقای شهید توماج مختوم، جرجانی و واحدی بود. بنی صدر در این قسمت گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه با درگیری بین گروه های چریکی بوده است، پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای ما و یک عقب نشینی بزرگ برای

بنی صدر گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه با درگیری بین گروه های چریکی بود ما ست پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای مردم و یک عقب نشینی بزرگ برای هیئت حاکمه بود.

هیئت حاکمه بود. مردم که اغلب از قبل همه می دانستند قضیه چیست اگر ملاحظه می کنند که داستان جعلی "فدائیان ترکمن پیرو مشی مسلحانه" از کجالت می خورده است. همه دریافتند که جناح هایی از میان خودشان این جنایت را سازمان داده و به انجام رسانیده اند. مردم دریافتند که بنی صدر هم از طریق تحریف و جعل حقایق به آنها کمک کرده که از جنگ عدالت خلق بگریزند و سایر جناح های حاکم نیز با سکوت خود در برابر این جنایت در عمل از آنها پشتیبانی کرده اند.

این مناظره بیش از پیش فدائیان را به میان توده ها برد و نقطه عطفی شد در حیات سیاسی سازمان. فعالیت علنی سازمان و هواداران را سهل تر ساخت و راه را برای رابطه گیری با توده مردم بازتر کرد و جو مسموم کنندهای را که علیه سازمان ایجاد کرده بودند، درهم شکست. سازمان در این مناظره ماهیت فرماندهان ضد خلقی ارتش را به نمایش گذاشت. چهره عبوس فلاحی نشانسی شد از خشم و کین او از فدائیان خلق و سایر گروه های انقلابی. علاوه بر این سازمان نشان داد که در سپاه پاسداران جناحی وجود دارد که علیه مردم توطئه می کند

بود. ما می خواستیم حقانیت سازمان و خلق ترکمن و همه خلق های تحت ستم در معرض قضاوت توده ها قرار گیرد، بعلاوه تا حدی که ممکن است سیاست سازمان در برابر سپاه پاسداران و ارتش و عملکرد آنان برای توده مردم توضیح داده شود.

طی مناظره نیز این تلاشها هر دو سودا دامه یافت. استاندار و پاسداران تحت پوشش ریشه با بی برای حل مسئله ترکمن صحرا یک مشت اباطیل راه خورد مردم دادند و یک ساعت از وقت مناظره را تلف کردند. پیشنهاد بنی صدر در مورد نحوه طرح مسائل و دو قسمت کردن بحث ظاهر منطقی بود. ما ز همان اوایل مناظره خوب می دانستیم که پیشنهاد بنی صدر به خاطر آن بوده است که اولاً وقت هر چه بیشتر به مسائلی اختصاص داده شود که ربطی به مسائل مشخص گنبد ندارد، ثانیاً مسئله خلع سلاح درگانون مناظره قرار گیرد. لذا کوشیدیم از همان ابتدا قسمت اول را هر چه زودتر به پایان رسانیم و به مسائل مشخص برسیم ولی با این که حدود دو ساعت ونیم وقت صرف مسائلی شد که آنها می خواستند طرح شود، با این حال رفقای مادر این قسمت پیروزی های چشمگیری کسب کردند.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ما ست

کارگران:

« ما بخشنامه شورای انقلاب در مورد شورای فرمایشی را از اساس رد می کنیم »

کارگران شورای انقلابی مبارزه می کنند
شورای انقلاب شوراهای فرمایشی را توصیه می کنند

اساسنامه آن توسط کارگران نوشته شود و برای ما شورای واقعی یعنی این. ولی تاج الدینی مشاور رئیس کل عنوان نمود که ما باید مطلقاً صحبت‌هايمان را در چارچوب بخشنامه شورای انقلاب ادامه دهیم. زیرا اکنون وضع بسیار گذشته فرق کرده است و مدبریت انقلابی است و باید بگران فرقی ندارد. نماینده‌های درجوابش گفت:

« این بخشنامه مال دولت بازرگان است. اکنون دیگر ماهیت دولت او برای اکثر افراد ملت شناخته شده است. این نماینده افزود: « بعد از انقلاب آن زمانی که هیچ مدبریتی در راه آن نبود و راه آن به صورت شورائی اداره می شد باز دهی کار ۱۰٪ افزایش پیدا کرد ما نمایندگان کارگران و کارکنان راه آهن خواستار شورائی هستیم که بر اساس

در تاریخ ۲۵ بهمن ماه جلسه‌ای به دعوت مدیریت راه آهن با شرکت ۶ نفر از نمایندگان قسمت‌های مختلف این واحد تشکیل شد در این جلسه ابتدا آقای تاج الدینی از اداره حقوقی شروع به صحبت کرد و گفت: « علت این گردهمایی تکمیل بخشنامه دولت بازرگان در مورد شوراهاست. نمایندگان با این برنامه مخالفت کردند و در جوابش گفتند: « منظور از شورا شرکت و نظارت فعال آن در تمامی سطوح راه آهن از بالاترین نقطه تا پایین ترین مسائل جاری آن می باشد و بخشنامه فرمایشی شورای انقلاب به هیچ وجه مورد قبول ما نمی باشد. ما این بخشنامه را از اساس رد می کنیم. ما خواهان ایجاد شوراهائی هستیم که

در تاریخ ۲۵ بهمن ماه جلسه‌ای به دعوت مدیریت راه آهن با شرکت ۶ نفر از نمایندگان قسمت‌های مختلف این واحد تشکیل شد در این جلسه ابتدا آقای تاج الدینی از اداره حقوقی شروع به صحبت کرد و گفت: « علت این گردهمایی تکمیل بخشنامه دولت بازرگان در مورد شوراهاست. نمایندگان با این برنامه مخالفت کردند و در جوابش گفتند: « منظور از شورا شرکت و نظارت فعال آن در تمامی سطوح راه آهن از بالاترین نقطه تا پایین ترین مسائل جاری آن می باشد و بخشنامه فرمایشی شورای انقلاب به هیچ وجه مورد قبول ما نمی باشد. ما این بخشنامه را از اساس رد می کنیم. ما خواهان ایجاد شوراهائی هستیم که

شورای مرکزی مخابرات

خواستار لغو قراردادهای امپریالیستی است

برگزاری گردهمایی گرفت و با وجود تهدیدهای مکرر از جانب وزیر و «انجمن اسلامی» اکثریت قریب به اتفاق کارکنان در روز ۱۶ بهمن ماه اجتماع کرده و مسائل و خواست‌هایشان را مورد بررسی قرار دادند. شرکت کنندگان در گردهمایی خواست‌های کارگران و کارکنان مخابرات را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افشاء و لغو قراردادهای استعماری شرکت مخابرات (به ویژه قراردادهای مربوط به شرکت‌های امریکائی مثل جی. تی. ای. و...)
- ۲- حق دخالت شورادر امور شرکت مخابرات.
- ۳- محکوم کردن اقدامات یکجانبه و اخلاک‌گراانه وزیر و دارودسته اش جهت انحلال شورا.
- ۴- برکناری رؤسای رستاقیزی و سرسپرده رژیم گذشته.
- ۵- محکوم کردن نحوه تصفیه و انتصاب در شرکت مخابرات.

به دنبال برکناری آقای اسلامی وزیر سابق پست و تلگراف و تلفن (که شورای مرکزی کارکنان مخابرات سهم موثری در این برکناری داشت) شخص دیگری به نام دکتر قندی با پشتیبانی «انجمن اسلامی» آن وزارتخانه به وزارت منصوب شد. وزیر جدید نیز به نوبه خود، موسسین «انجمن اسلامی» را که در رژیم گذشته روسای کانون‌های حزب رستاقیز بودند، به عنوان هیئت مدیره شرکت منصوب نمود و وظایف مهم اداری را به آنان سپرد.

آقای قندی از همان آغاز کار به مخالفت با شوراها و به ویژه شورای مرکزی کارکنان برخاست و آنان را ضد انقلابی خواند و تهدید به تصفیه و اخراج نمود. وی خود سرانسه از ورود نمایندگان کارکنان به جلسه‌ای که جهت بررسی مشکلات شرکت تشکیل شده بود، جلوگیری به عمل آورد. به دنبال آن، مجمع عمومی نمایندگان تصمیم به

شورای کارگران پروژه‌ای مجساران

خواهان ایجباد

شرکت ملی پروژه‌ای هستند

شورای کارگران پروژه‌ای (فصلی) مجساران از ماه قبل در جهت تشکیل کارگران و پیشبرد مبارزه با آنان تلاش می کنند. کارگران با کارفرما و با کمترین امکانات ساختمان متروکهای را بازسازی کرده و آن را به محل (کانون) شورا و مرکز تجمع خود تبدیل نمودند. شورا برای احقاق حقوق کارگران بیکار بارها با فرماندار، استاندار، امام جمعه و رئیس شرکت گفتگوها را تا سر حدی که بی نتیجه ماند. روز ۲۲ بهمن سالگرد قیام پرشکوه خلق‌های ایران طی راهپیمائی که با شرکت ۲۰۰۰ نفر از کارگران پروژه‌ای ترتیب یافت و خواست‌های کارگران بدین ترتیب اعلام شد:

- ۱- ایجاد کار بدون سرمایه‌های امپریالیستی، قطع دست‌پایانکاران و دلان.
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار.
- ۳- تامین درمان رایگان برای عموم کارگران و زحماتشان.
- ۴- کنترل قیمت‌ها بخصوص ارزاق عمومی به شیوه اصولی (شیوه‌های معمولی از قبیل پرونده سازی و تعقیب بازاریبان و کسبه خرده‌ها محکوم شده است).
- ۵- ایجاد شرکت ملی پروژه‌ای ایران.

در روز ۲۳ بهمن کارگران برای تحقق خواست‌های خود در فرمانداری متحصن شدند. فرماندار ورود استان مجساران برای درهم شکستن مبارزات

کارگران توطئه‌های جدیدی را تدارک دیدند. آنها برای اولین بار در نماز جمعه حضور یافته و نمازگذاران را بر علیه کارگران بیکار تحریک نمودند. فرماندار، شورای کارگران پروژه‌ای را لانه جاسوسی نامید. سپس از اتمام نماز جمعه با تحریک حساسات مذهبی مردم به اتفاق گروهی از آنان به محل شورا حمله می کنند. سناها سداران نیز در حالی که به تیراندازی هوایی می پرداخت به جمع آوری مدارک و پرونده‌های شورا پرداخت. پس از اشغال محل شورا مهاجمین به سوی فرمانداری محل تحمّن حرکت کردند و با پرتاب سنگ و باجوب و چماق به کارگران بیکار هجوم آوردند. پاسداران ابتدا با تیراندازی هوایی و سپس با پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی زمینی به مقابله با کارگران پرداختند که منجر به اصابت گلوله و مجروح شدن سه نفر از کارگران شد. پاسداران ۱۶ نفر از متحصنین را بازداشت و زندانی کردند که تحت فشار کارگران مجبور شدند آنها را آزاد کنند.

کارگران در ادامه مبارزات خود به راهپیمائی پرداختند و شعار «کارگر، کارگرستون انقلاب است، سرمایه دار مزدور دشمن انقلاب است» به سوی فرمانداری حرکت کردند و باز در آنجا متحصن شدند. **بقیه در صفحه ۷**

شورای کارگران پروژه‌ای مطالب است بدانید که یک لیست از گاندهای مورد نظر خود را ارائه داد و تاریخ انتخابات را نیز مشخص نمود. ولی اکثریت کارگران معتقد بودند، از آنجائی که هیئت نمایندگان مورد تأیید آنهاست انتخابات حداقل تا عید به تعویق بیفتد. چراکه مسائلی همچون طرح طبقه بندی مشاغل و خود پیرو نیمسال دوم پیش روی آنهاست و می بایست به آن بپردازند. از آنجائی که انجمن اسلامی با این نظریه مخالف بود، کارگران دست به جمع آوری مواز زدند. از ۲۲ کارگر حدود ۳۷۴ نفر جزوا مذاکندگسان بودند. به این ترتیب هیئت نمایندگان موقت بعد از یک وقفه کوتاه دوباره کار خود را آغاز کرده است.

سیمان ری - بعد از قیام طی انتخاباتی که صورت گرفت "هیئت نمایندگان موقت" تشکیل شد. این هیئت که منتخب کارگران بود اقدامات مثبتی از جمله بالا بردن دستمزد و حق مسکن، گرفتن سود ویژه، گرفتن مابه‌التفاوت ۶۷٪ را انجام داد. هیئت نمایندگان نزدیک به دو ماه پیش اساسنامه پیشنهادی برای تشکیل شورا ارائه داد که مورد قبول اکثریت کارگران قرار گرفت ولی انجمن اسلامی تازه تاسیس به شدت با آن مخالفت کرد. انجمن اسلامی در پی تعقیب همین سیاست خود به سمپاشی علیه هیئت نمایندگان پرداخت و جلسات مکرری در همین رابطه برپا نمود و خواستار انتخابات



کارگران طرح شورای انقلاب درباره

سود ویژه را رد کردند و آنرا ضد کارگری دانستند

سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند

راهپیمایی چهارشنبه ۱۵ اسفند کارگران علیه امپریالیسم و سازشکاران یک بار دیگر آگاهی و قدرت کارگران را به نمایش گذاشت

حمایت مردم برخودار بودند. آنان پس از طی مسیر راهپیمایی در مقابل "مرکز جاسوسی آمریکا" اجتماع کردند. در آغاز "سرود کارگر" خوانده شد و سپس حجت الاسلام "موسوی خوئینی" سخنرانی کرد. خوشبینی در قسمتی از سخنان خود گفت: "باید کارگران مابیش از هرکس، احساس دشمنی و خشم و کینه مقدس علیه امریکای جهانخوار داشته باشند، که دارند"

در پایان قطعنامه کارگران قرائت شد. در این قطعنامه کارگران ضمن "ابراز انزجار شدید خویش از امپریالیسم جهانخوار آمریکا، خواستار قطع تمامی وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از امپریالیسم و استرداد شاه جهانپنار و اموال به غارت رفته مردم و ملی شدن کلیه "سرمایه‌ها" شدند. در قسمت دیگری از قطعنامه، کارگران بر امر "گسترش و حمایت همه‌جانبه از تشکیل شوراها و طرد سازشکاران از صفوف خود تاکید نموده و "ایجاد گسترش صنعت مادر و رشد صنایع ملی و در ارتباط با آن رهائی از قید صنایع وابسته و مونتازو برنامۀ مریزی قاطعانه برای حل مشکل بیکاری" را خواستار شدند.

در پایان شرکت نمایندگان منتخب کارگران در تمام ارگان‌های تصمیم‌گیری مورد تاکید قرار گرفت و قاطعانه لغو "قوانین ضد کارگری" را خواستار شدند. کارگران اعلام کردند که "قانون کار جدید" می‌باید توسط نمایندگان منتخب آنان تهیه و تدوین شود.

وسرمایه‌داران لیبرال رادشمنان انقلاب و زحمتکشان مرفعی کردند و خواستار افشای آنان شدند. آنها نشان دادند که به راستی زحمتکشان بیدارند و مصممند که برای ساختن ایران آزاد و دمکراتیک تا به آخر به مبارزه ادامه دهند. این راهپیمایی قشقت محکمی بود بر پیوسته سرمایه‌داران لیبرال و سازشکاران و بار دیگر علیه تمام سفسطه‌ها و دسیسه‌های جناح لیبرال و سازشکار که با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگر امکانات تبلیغاتی خود می‌کوشیدند اهمیت افشاکاری‌های نیروهای ضدامپریالیست و ضدانقلابیون کمونیست را بی‌بها کرده و کارگران و زحمتکشان را نسبت به آنان بدبین سازند. با بانکی راست از بلندگوهای سازشکاران، خواست می‌لین‌ها کارگر و زحمتکش ایرانی را در پشتبانی قاطع از ادامه افشاکاری‌ها و حمایت از نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی اعلام کرد و آنرا اثبات نمود.

کارگران بار دیگر سرمایه‌داران لیبرال و سازشکاران نشان دادند که دیگر عوام‌فریبی‌های آنان نمی‌تواند امواج خروشان مبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران را به بند کشد و آن را مهار کند. کارگران نشان دادند که مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران برخوردار از توان تراز همیشه موانع را درهم می‌کوبد و عمیق‌تر می‌شود.

کارگران که به سوی "مرکز جاسوسی آمریکا" راهپیمایی می‌کردند، در مسیر خود از

بعد از ظهر چهارشنبه ۸ اسفند ماه به دعوت "شوراهای اسلامی کارگران" هزاران تن از کارگران از نقاط مختلف تهران در میدان انقلاب می‌بودند. امام حسین اجتماع کردند تا علیه امپریالیسم امریکای سازشکاران راهپیمایی کنند. کارگران در این راهپیمایی حمایت خود را از ادامه افشاکاری‌ها اعلام کردند و قاطعانه خواستار ادامه افشاکاری‌ها شدند.

کارگران ساکن کرج، شهریار، شهرری، ورامین و نقاط دورافتاده تهران نیز در این راهپیمایی شرکت داشتند و با تمام وجود نفرت و انزجار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران را نسبت به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و دوستان و جاسوسان آنان ابراز می‌داشتند.

کارگران با فریاد "نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا"، "مرگ بر امریکا، مرگ بر سازشکار"، "سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند" اراده خلیل‌ناپد بر طبقه کارگر ایران را در پیشبرد مبارزه قاطع و بی‌بهره با امپریالیسم امریکا و جبهه سازشکاران و سرمایه‌داران لیبرال بیان داشته و نشان دادند که در جبهه نبرد با امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه‌دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوند دارد طبقه کارگر در جبهه مقدم این مبارزه قرار داشته و تنها نیروی است که خواهان پیشبرد این مبارزه بطور پیگیر و تا به آخر می‌باشد.

کارگران با هوشیاری انقلابی و به درستی، سازشکاران

باید با نظر کارگران و به وسیله شوراهای وسندیکای واقعی پرداخت گردد.

۴- مسئله انضباط و بهره‌وری در طرح شورای انقلاب باعث می‌شود که بسین کارگران دودستگی افتاده و بدین ترتیب کارگران رودرروی هم قرار گیرند و این کار باعث لطمه زدن به اتحاد و تشکلی کارگران می‌شود.

با ذکر دلایل فوق در آن جلسه کارگران طرح شورای انقلاب راز کرده و آن را ضد کارگری دانستند. کارگران از بسندیکای خواستند که سود ویژه بدون کم و کاست و ۱۰۰ روز بدون مالیات و بر مبنای حقوقی کارگران در سال ۱۳۵۸ پرداخت گردد و اگر غیر از این باشد، کارگران زیر بار این طرح طاغوتی نخواهند رفت چرا که سود ویژه چیزی نیست جز قسمتی از حقوق کارگران که رژیم گذشته آن را برای فریب کارگران به شکل سود ویژه پرداخت می‌کرد. تا شدت استثمار را بیشتر کند. بعد از پایان جلسه کارگران این مسئله را با کارگران کلیه قسمت‌ها در میان گذاشتند. سپس این خواست خود را طی طوماری امضاء شده به اطلاع هیئت مدیره سندیکارسانده و از آنها خواستند که به خواستایان رسیدگی کنند. نمایندگان کارگران طی چند روز مذاکره با مدیریت سرانجام موفق شدند که طرح خودشان را در مقابل طرح شورای انقلاب به مدیریت تحمیل کرده و سود ویژه خود را بر مبنای حقوقی سال ۱۳۵۸ و ۱۰۰ روز بدون مالیات دریافت کنند.

سود ویژه در تاریخ ۲۱ بهمن ۵۸ بر اساس طرح کارگران و نظارت آنان به وسیله سندیکای کارگران پرداخت گردید.

سود ویژه در تاریخ ۲۱ بهمن ۵۸ بر اساس طرح کارگران و نظارت آنان به وسیله سندیکای کارگران پرداخت گردید.

اعلام نظر شورای انقلاب راجع به سود ویژه و ابلاغ به وزارت کار برای اجرای آن در کارخانجات عکس العمل‌های متفاوتی را در میان کارگران برانگیخت. از آن جمله در کارخانه تولیدی ساکا، سندیکای کارگران که مورد حمایت اکثریت کارگران است تصمیم گرفت طی جلسهای با شرکت کارگران طرح شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهند. در این جلسه که با حضور ۶ کارگر برگزار گردید، کارگران و نمایندگان آنها، ایرادهای زیر را به آن وارد می‌دانستند: ۱- شورای انقلاب طرحی را ارائه داده است که در زمان طاغوت و به وسیله مجیدی‌ها و معینی‌ها تهیه شده است. به اجراء در آوردن این طرح در شرایطی که همه جاسوبت از مبارزه با امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داری وابسته است چیزی نیست جز تشبیه قوانین نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم.

۲- با توجه به افزایش هزینه زندگی که بیشترین فشارش بر روی کارگران زحمتکش مهربان می‌باشد و از طرفی ما هر روز شاهدیم با لافرتن نرخ ارزاق عمومی هستیم، مبنای حقوقی سال ۱۳۵۶ نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. چرا که تخم مرغی که سال گذشته دانه‌های ۵ ریال بود امروز اگر پیدا شود ۱۵ ریال است. بنابراین مبنای حقوقی باید بر اساس شرایط موجود یعنی سال ۱۳۵۸ باشد.

۳- حق نظارت و پرداخت سود ویژه راه سرپرست‌ها و دیگر عناصر کارفرما و اگذار کرده‌اند. در حالی که کارگران بهتر از هرکس می‌دانند که در رژیم سابق سرپرست‌ها و دیگر عناصر به خاطر خوش خدمتی به کارفرما حق راناجسقی می‌کردند. بنابراین سود ویژه

شورای کارگران پروژهای کچساران ... بقیه از صفحه ۶

انگاه فرماندار اردادستان به محل تحصن آمدند و ظاهراً جهت مذاکره با ماعلا به فحاشی و تهدید پرداختند. دادستان به نمایندگان کارگران اظهار داشت که اگر شما شکستن تحصن را اعلام نکنید ما با ۵ هزار عشا بر مسلح آماده مقابله هستیم. کارگران برای جلوگیری از تشنج و درگیری به تحصن خود خاتمه دادند.

شدند. فردای آن روز گروه‌های مختلف دانش آموزان و کارگران شاغل صنعت نفت به جمع متحصنین پیوستند. ظهر روز شنبه ۲۷ بهمن سرمایه‌داران و حامیان مزدورشان عده زیادی از عشا بر ناآگاه را تسلیح و بسیج کرده و کارگران را از دو طرف تحت محاصره قنرر دادند. سپاه پاسداران نیز در این محاصره شرکت نمود.

آیا بیکاران نباید عید داشته باشند؟

رئیس جمهور چیز دیگری نشنیدیم. همانطور که در نامه سرکشاده نوشته بود، ما دو هفته به رئیس جمهور مهلت دادیم ولی به وضع ماتوجه نشد.

خواست حداقل ما ۱۰ هزار تومان وام برای گذراندن شب عید می‌باشد.

کارگران بیکار تهران

کنیم. لااقل عید را پیش خانواده خود شرمند نباشیم. در یک سال گذشته ما از دولت موقت و شورای انقلاب جز وعده و وعید هیچ، توطئه‌های تفرقه افکنانه و کشتار و مارک زدن چیز دیگری ندیده‌ایم. پس از مراجعات مکرر به دفتر رئیس جمهور جز جواب در تلویزیون که باز وعده و وعید بود و جواب سرها لا از آقای مومنی رئیس دفتر

دوستان کارگزر ما کارگران ساختمانسی در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۵۸ نامه‌های سرکشاده به آقای بنی صدر، رئیس جمهور نوشتیم. در آن نامه از ریاست جمهوری خواستیم که با توجه به گرانی و فشار زندگی و فرارسیدن عید نوروز ما احتیاج داریم کفش و کلاه برای فرزندان خود، قوت لاموتسی برای دلبنندان خود تهیه

بر خورد قاطع شورای انقلابی کارخانه «ایرفو» با شورای انقلاب اسلامی ایران تجلی قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار

شورای انقلاب که در مباحثات و مذاکرات جاری نتوانسته بود شورای انقلابی کارخانه را فریب دهد و مطیع سازد، به همراه اکثری شورای کارخانه را متهم می کند که شورانمایند کارگران نیست. شورای کارخانه خواستار تحقیق نمایندگان شورای انقلاب از کارگران می شود. کارگران در مقابل نمایندگان اعزامی شورای انقلاب چنین گفتند:

"ما شوراداریم. حرفمان حرف شورا است. چیزی بیش از این نداریم که بگوئیم. به شورای خویش ایمان داریم. اگر زمانی هم شورا به منافع ما پشت کرد، آنوقت طور دیگری با شورای کارخانه رفتار خواهیم کرد."

شورای انقلاب اسلامی وقتی نتوانست کارگران را مطیع خویش سازد، راه سکوت و عدم رسیدگی را انتخاب کرده و رسیدگی به خواست کارگران را پشت گوش انداخت. شورای کارخانه طی نامه ای از مهندسین بازرگان خواست که نمایندگان شورا ملاقات کند. بازرگان در ده دقیقه وقتی که داد کارگران را متهم کرد که در کار مدیرعامل و هیئت مدیره دخالت بی مورد می کنند و این دخالت عملاً "اخلالگرانه" است.

شورای کارخانه پس از بی نتیجه ماندن مراجعات مکرر به شورای انقلاب، اداره کار و غیره و پس از مذاکرات با بازرگان و دیگر مقامات مملکتی که بی نتیجه پایان می گرفت، برای اتخاذ تصمیمات لازم، کارگران را احضار کرد و طی مباحثاتی قرار بر این شد اگر موجودی شورا آزاد نشود کارگران موظفند با لباس کار و عکس سهام داران کارخانه که خود مقامات عالی حکومتی هستند، به محل شورای انقلاب و از آنجا به قم راهپیمایی کرده و پیش امام بروند و سهام داران حامیان آنها را در پیشگاه مردم رسوا کنند.

تصمیم قاطع شورای کارخانه و حمایت بی دریغ کارگران از آن، مدیرعامل سابق و سهام داران و شورای انقلاب را به وحشت انداخته و به ناچار، قلیزاده موجودی مسدود شده را آزاد کرد

از سوی دیگر شورای انقلاب برای جلوگیری از راهپیمایی به قم، تلفنی به کارخانه اطلاع داد که نظرات شورای کارخانه را می پذیرد. اکثری مدیرعامل جدید به کارخانه اعزام شد تا زیرنظارت عالی شورای کارخانه به کار و فعالیت بپردازد. بدین ترتیب شورای کارخانه در دور اول مبارزه، برد سبزه و توطئه های سرمایه داران لیبرال غلبه کرده و پیروزی شود.

مدیرعامل جدید بعد از نزول اجلال به کارخانه دونفر از مفتخوران به نام حبیبی (مدیر امور مالی) و بیژنی (کارمند دادگستری) را که بعد از تشکیل شورای انقلابی کارخانه فرار کرده بودند، بدون اطلاع شورا به همکاره دعوت می کند و قول می دهد که حقوق ۲۲ روزی را که در کارخانه نبوده اند به آنان پرداخت کند.

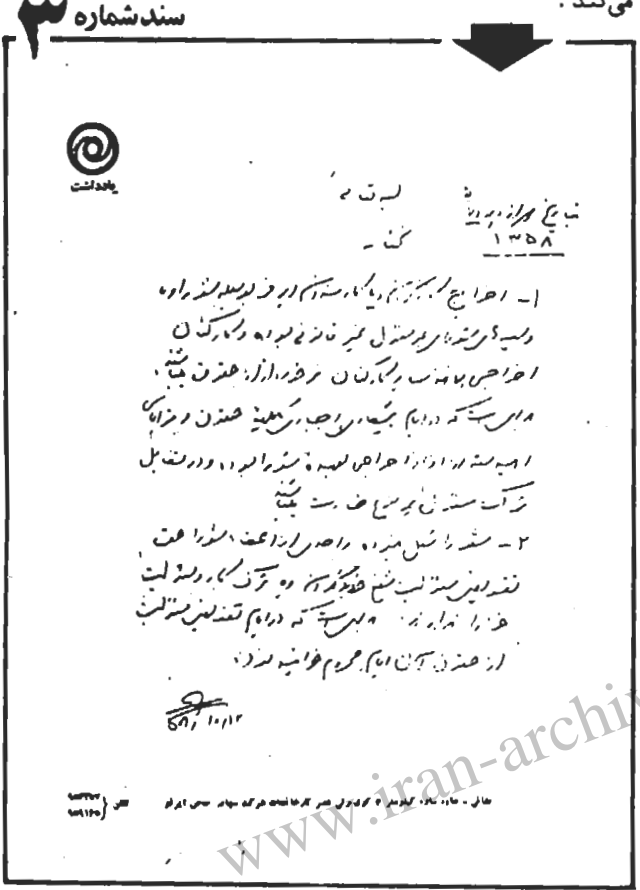
کارگران که بارها دیده بودند که اگر سه روز سرکار نیابند اخراج می شوند، از اکثری خشمگین شده هر سه نفر را دستگیر و زندانی می کنند و مجدداً از اکثری می خواهند که زیر نظر شورا کار کنند.

متعاقب اقدام کارگران نماینده دادستانی به همراه ۱۲ پاسدار به کارخانه می آید و پس از تهدید شورا وقتی که می بینند نتیجه ای از آن به دست نمی آید، بر اثر مقاومت شورا سه نفر را آزاد می کنند. شورا در تاریخ ۱۵ دیماه با زنگشت اکثری به کارخانه را مشروط به پذیرش کتبی خواست های زیر از جانب او می کند:

- ۱- پرداخت سود ویژه تا آخر ماه
- ۲- تامین مواد اولیه در فاصله ۱۰ روز
- ۳- مدیرعامل موظف است حداقل یکسال، روزی ۸ ساعت در کارخانه کار کند.
- ۴- به کنترل مالی و حسابرسی شورا پاسخ دهد
- ۵- زیر نظر شورا کار کند.
- ۶- تأیید و امضای شورا را زیر برگ خروجی محصولات فروخته شده بپذیرد
- شورا در مقابل مخالفت مدیران عامل و هیئت مدیره،

از وزارت صنایع و معادن خواستار ملی شدن کارخانه می شود. قلیزاده که در مقابل خواست های جدید شورا قرار گرفته بود، در تاریخ ۱۲ دیماه، بخشنامه تهدید آمیزی صادر می کند (سند شماره ۳) و طی آن کارشورا را "غیرقانونی" اعلام می کند.

(قسمت آخر)



کارگران پس از شنیدن این مطلب به خشم می آیند. به دفتر کشت و صنعت کنارون رفته، پس از ورود به ساختمان برق و تلفن را قطع می کنند. کارگران پس از گوشه خالی عوامل مدیرعامل، قلیزاده و اکثری را دستگیر و به کارخانه می آورند. قلیزاده که زبون شده بود، از کارگران می خواهد در چهارچوب قانون اساسی اقدام کنند. کارگران با اعلام اینکه دولت و قوانین و مصوبات آن متوجه تأمین منافع سرمایه داران است، مدیرعامل را به پذیرش خواست شورای کارخانه و اطاعت از آن دعوت می کنند. مهندسین بازرگان در دفاع از شرکاء خویش با کمیته مرکزی تماس گرفته و با بسیج کمیته ها و پاسداران کارخانه را

گروگان خواهند داشت. استواری و قاطعیت شورا به کارگران نیروی جدیدی داد. کارگران خشمگین فریاد می زدند: "ما پاسدار نمی خواهیم". "پاسدار" از محوطه اخراج باید گردد. "در نتیجه مقاومت کارگران نماینده کمیته ۱۲ خواستار مذاکره با شورای کارخانه شد. کارگران که صحبت های یکماه پیش او را به خاطر داشتند، فریاد می زدند که "ما به شما ایمان نداریم". نماینده کمیته ۱۲ در نتیجه مقاومت کارگران و حمایت مردم محلات مجاور به ناچار کار پاسداران ارتجاعی را محکوم می کند. شورا پس از این امر مذاکره را می پذیرد و پس از پایان مذاکرات مهندسین قلیزاده در برابر شورا کتبا تعهد می کند:

- ۱- اکثری از مدیر هیئت عامل کارخانه برکنار شود.
- ۲- قلیزاده هفته ای نصف روز به شرکت آمده و زیر نظر شورا با آن همکاری کند.
- ۳- شورا نظارت عالی بر کارخانه داشته و تام الاختیار می باشد. تمام مسئولیت های ناشی از اداره کارخانه به عهده شورا است.
- ۴- اگر امضاء شورا زیر اسناد شرکت نباشد، اسناد از درجه اعتبار ساقط است.
- ۵- یکی از حسابرسان به سمت مدیر امور مالی پذیرفته می شود. (این حسابرس توسط قلیزاده تحت فشار قرار گرفته بود)

پس از توافق کتبی شورا با قلیزاده، شورا دستور آزادی سرمایه داران را صادر کرد و دوم مبارزه خود را با پیروزی به پایان می رساند.

قاطعیت شورای کارخانه رهبری اصولی مبارزه کارگران به وسیله شورا، ضمانت کامل کارگران از شورا، در مجموع سبب پیروزی شورا بر شورای انقلاب، دار و دسته بازرگان پاسداران و کمیته ها می شود. به ویژه که کارگران در مسیر مبارزه خویش به پاسداران نشان دادند که این قانون سرمایه داری است که آنان را به پاسداران متاع سرمایه داران تبدیل می کند.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



یورش وحشیانه پاسداران کمیته ۱۰ تهران

به کارگران کارخانه حریر

وهرکس به نحوی آن را بیان می کرد. کارگری از یکی از سنگبری ها خود را به آنجا رسانده بود. در میان جمعیت فریاد می کرد:

"این اسلحه ها را سال پیش خودمان به دست او نهادیم. اما امروز با همین اسلحه ها توی سر ما می زنند. امروز کارگران حریر و حتما فردا هم توبست ماست."

کمیته ای ها خود را در میان انبوه جمعیت خشمگین می بینند هر یک چیزی می گوید. اما همه یکصد در سرزنش و تقبیح کمیته ای هاست. راننده یکی از ماشین های کرایه با عصانیت و فریاد پیش می آید و از مردم استمداد می خواهد که کارگران زخمی را به بیمارستان برسانند. او رو به کمیته ای ها می کشد و می گوید:

"اگر دست به اینها بزنید (با اشاره به نمایندگان که کف خیابان افتاده اند) خونستون کردن خودتونه."

سپس با کمک جمعی از مردم، نمایندگان را در ماشین می گذارند و با عجله و سرعت هر که را ترک می کنند.

کمیته ای ها حسابی ترسیده بودند و به آهستگی خود را از میان جمعیت دور می کردند. کارگران پیشرو در میان جمعیت علت را توضیح می دادند و مردم بالعموم و غیرین کار فرما و کمیته ای ها را سرزنش می کردند. همه از خشم سرشار بودند.

وحشیانه تعداد بیشتری کمیته چی، دست های زنجیر شده بازمی شود و تعدادی از کارگران به زمین می غلطند. در این هنگام تعدادی از کمیته ای ها به زانو می نشینند و بادستور مکرر "ایست زنگبار" مسلسل را به آسمان می بندند. صدای شلیک بی درزی گلوله و جنگ و گریز کارگران با کمیته ای ها در خیابان انبوهی از کارگران کارگاه های سنگبری های آن اطراف و کسبه و پیشه وران را سراسیمه به خیابان کشاند. یک ماشین، که ما مور دستگیری نمایندگان شده بود به سرعت در طول خیابان به سمت نمایندگان حرکت می کند و با مانور در جلوی آنها متوقف می شود. خیابان کاملاً بند آمده است. مسافران و رانندگان ماشین های که در دوسوی خیابان ایستاده بودند، به سمت آنها می آیند. دو نماینده خود را برگذا سفالت خیابان می اندازند، کمیته ای ها به دور آنها حلقه می زنند. پاسداری، کلت خود را بر شقیقه یکی از نمایندگان می گذارد و با پاش دیگری راز بر لگد می کسرد. هر آن بر جمعیت افزوده می شود. خشم و نفرت جمعیتی که آنجا بودند، هر آن گسترده تر می شد

فریب خورده، شرایط مناسبی برای دخالت کمیته ای ها فراهم می آمد. کارگران بلافاصله دستها را به هم زنجیر کردند و نمایندگان را در وسط جمع قرار دادند. سه کارگر فریب خورده پیش آمدند تا به جمع کارگران حمله کنند. اما یکی از همان کارگران با فریاد و خشونت در عین حال به شیوه آگاه گرانها آنها صحبت کرد. وی به آنان گفت که چگونه فریب توطئه های کارفرما را خورده اند. دو نفر از آنان در حالیکه به شدت متاثر شده بودند و گریه می کردند، خود را کنار کشیدند و رفتند. اما نفر سوم به چند تن از کارگران حمله کرد. با حمله این شخص کمیته ای ها هم شرایط را آماده دیدند و با قنداق تفنگ، مشت و لگد به کارگران حمله کردند. مقاومت و پایداری کارگران و اتحاد و همبستگی شان بی نظیر بود. با وجود اینکه دستهای زنجیر شده کارگران زیر ضرب قنداق تفنگ قرار گرفته بود و حتی خون از دستانشان جاری شده بود، همچنان مقاومت می کردند و نمایندگان را در حلقه خود گرفته و آنان را محافظت می کردند. بالاخره با یورش

کارخانه خارج کرده باز داشت کنند. آن دو با مشاهده این وضع دفتر را ترک می کنند و به جمع کارگران می پیوندند. در این موقع حدود ۵۰ نفر کارگر در کارگاه مشغول کار بودند و در حدود ۴۰ نفر از کارگرانی که فضالانه از نمایندگان حمایت می کردند در یکی از قسمت های سالن جمع شده بودند و منتظر روشن شدن تکلیف خود بودند. دو کارگر آگاه نیز پس از ترک دفتر به جمع آنها پیوستند. کمیته ای ها با دیدن این وضع دور این کارگران حلقه زدند و در حدود نیم ساعت بحث و مجادله در میان آنها جریان یافت. بحث ها به تدریج پیرامون این بود که کمیته ای ها می خواستند از طریق حمله فریب دو نماینده را از کارخانه خارج کنند. وقتی کمیته ای ها دیدند که از این طریق نمی توانند نمایندگان را دستگیر کنند، متوسل به شیوه ای شدند که به احتمال زیاد از قبل پیش بینی کرده بودند. یعنی چند نفر از کارگران فریب خود طرفدار کارفرما را صدا کردند و علناً به آنها دستور دادند که به جمع کارگران حمله کنند. روشن بود که با حمله این عده کارگر

روز شنبه ۱۳ بهمن وقتی کارگران وارد کارخانه شدند، ۲۵ نفر از ادله کمیته ناحیه ۱۰ به همراهی گروه های ضربتی از پادگان های عشرت آباد و سلطنت آباد در کارخانه مستقر بودند. پس از ورود کارگران به کارخانه، ابتدا افراد کمیته برای اینکه بتوانند کارگران را از هم جدا نمایند و تعداد آنها را تقلیل دهند، گفتند: "کارگران صبح کار به سر کار بروند و کارگران شیف بعد از ظهر بروند و وقت کار خود بیایند." اما تمام آثار و علائم نشان می داد که این حرف برای تقلیل تعداد کارگران گفته می شود و در پس آن چیزی نهفته است. از همین رو کارگران پیشرو این را نپذیرفتند و گفتند: "بعد از اینکه شما محیط کارخانه را ترک کردید و رفتید. ما هم در شیف های خود کار خواهیم کرد. کمیته ای ها وقتی با مقاومت کارگران روبرو شدند، دو نفر از نمایندگان فعال را به دفتر کارخانه بردند و گفتند: "شما در اینجا نباید کار کنید اما موقتاً در همین جا (دفتر) بمانید" دو کارگر آگاه قبول کردند و در دفتر نشستند. اما پس از مدتی متوجه شدند که کمیته ای ها قصد دارند آنها را از در پشت

نامه یک کارگر بیکار از یاخچی آباد

یعنی طبقه کارگر بود. چندی پیش شنیدم که سپاه پاسدان منطقه ۱۳ عده ای را برای وزارت صنایع و معادن گیلان استخدام می کند. ما نیز استخدام شدیم. به ما گفتند کارشان گیلانی است. سه ساعت روز و سه ساعت شب و وابسته به هیچ کجانبستید. (منظور سپاه پاسداران و کمیته بود.) ۱۳ نفر از ما که بیشتر از یاخچی آباد و نازی آباد بودند، انتخاب کردند و چند روز بعد ما را به چوکا (بالا تر از بندرانزلی) فرستادند اما برای من این سؤال مطرح

۲۲ سال دارم. از بچه های یاخچی آباد تهران هستم. با معافی، دیپلم و بیکار. مدتهاست که بی قرار برای یافتن کار به هر سو ترمی کشیدم و هر کجا که اسمی از کارشناس می شنیدم، کفش و کلاه می کردم و راه می شدم ولی هر بار دست از یاد راز ترسای انبوهی از قرض و شرم به خانه باز می گشتم. ولی این به آن همان بود که من برای پول و درآمد تن به هر کاری بدهم. درست است که من شرم داشتم اما شرف هم داشتم و تمام وجودم عشق به طبقه خودم

شده بود که چرا اینها از تهران پاسدار برای کارگران می برند. یاد زمان شاه افتادم که سربازان تهرانی را به کردستان می بردند و کردها را به تهران برای سرکوب می آوردند. به تهران می آمدیم با همان مسئله همیشگی جامعه سرماهداری و فقر و بیکاری و هزاران بدبختی دیگر، اما این بار در پیش خود سربلند بودیم. به راستی این مزدوران چه فکری کردند؟ باید بگویم ما اگر فقر را قبول می کنیم به این علت است که نمی خواهیم نان بی شرافتی را بخوریم. اما اینان چه کسانی هستند که فکری کنند چون ما جوانانی با ایمان هستیم، می توانیم آلت دست آنها باشیم؟

کارگران اینجا عده ای ساواکی و ضد انقلاب و کمونیست نفوذ کرده و اخلاص می کنند شما باید جلوی اینها را بگیرید. که با اعتراض ما روبرو شد. علت اصلی اعتراضات کارگران کارخانه اخراج عده ای از کارگران بدون مزایا و عقب افتادن حقوق بود و وقتی ما گفتیم: "کارگری که اخراج می شود یا باید باز خرید و یا بازنشست شود." سروان با عصیانیت گفت: "شما هم که حرف های آنها را می زنید." فردای آن روز اخلاصی به ما گفت: "از تهران تلفن شده که شما باید برگردید و در یک زمان دیگر مراجعه کنید." حالا به خوبی برابرم روشن

بود که چرا اکنون که در سراسر ایران بیکاری هست، اینها از تهران استخدام می کنند و از همان گیلان استخدام نمی کنند در کارخانه چوکا شروانی به نام اخلاصی آمد که در باره کار ما صحبت کند که اول شروع کرد به فحش و بدویراه گفتن به کارگران و بعد به ما گفت: "شما به اسلام و انقلاب ایمان دارید و اجازه نمی دهید کسی به اسلام حمله کند." اخلاصی ادامه داد و گفت: "محافظت از کارخانه در مقابل تظاهرات کارگران، محافظت از اسلام و انقلاب اسلامی نیز هست و بعد گفت: "اینها حتی پاسداران انقلاب را هم قبول ندارند، یعنی چه؟ یعنی امام را هم قبول ندارند. در شورا ی

به دعوت مشترك سندیکای کارگران خیاط و سندیکای کارگران کفاش جشن بزرگداشت قیام برگزار شد

از یکسو توسط سرمایه داران لیبرال تهدید به انحسار می شود و از سوی دیگر بخشی از روحانیت حاکم توانائی عمق بخشیدن به این مبارزات را ندارد. تنها تامين رهبری طبقه کارگر برجش است که می تواند این مبارزه را به انجام رساند.

از طرف سندیکای کارگران قناد و کارگران پیشرو بافنده سوزنی قراحت گردید. در قسمتی از پیام سندیکای کارگران قناد آمده است: "در شرایط فقدان رهبری طبقه کارگر، مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلق ما که هر روز اوج تازه ای می باید

از قبیل "امپریالیسم خونخوار همیشه دشمن ماست"، "مرگ بر آمریکا"، "افشای امریکائی باید ادامه یابد" در آسمان طنبن می انداخت، بهیانه گاراده و عزم کارگران در عمق بخشیدن به مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک بود. در این گردهمایی پیام هائی

و کلیه مبارزین که برای بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک جان خود را فدا نمودند. مقالات متعددی از سوی کارگران خوانده شد که در آنها علت قیام و چگونگی مبارزات توده های مردم پس از قیام تحلیل گردید. فریادی های پرخروش کارگران که با شعار هائی

صداهای کارگران محوف خیاط و کفاش به مناسبت حماسه تاریخی خلقهای قهرمان ایران، قیام ۲۲ بهمن ماه ۵۷، مراسم بزرگداشتی برپا نمودند در این مراسم که در تاریخ ۱۹ بهمن ماه و در محل سندیکا برپا شد، ضمن تجلیل از شهدای قیام پرشکوه بهمن ماه

ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی درگنبد

(قسمت سوم)

گزارشی که سومین قسمت آن را می خوانید، یادداشت های یکی از هواداران سازمان است، که در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی بود و ما عین یادداشت ها را تماما به چاپ می رسانیم.

بعد از ظهر وقتی از پاسدار محافظ خود سؤال کردم، با صدای گرفته ای گفت: مدت ها است جنگ شده، از ظهر به بعد آنچه نباید بشود شد.

هنگام غروب بود. در باز شد و همان پاسدار پوست پلنگی با یک اسیر وارد شد. اسیر لباس های پشمی خاکی بود. چشم های پشمی بسته بودند. او را کنار دیوار نگهبانان و خودش روی صندلی نشست. با چشم سیگاری آتش زرد و بعد با یک حالت مصنوعی بلند شد. چشمان او را باز کرد. سعی می کرد خیلی شمرده حرف بزند. گفت:

خوب توجه کن. اگر یک کلمه دروغ بگی، با عوضی صحبت کنی، فقط یک گلوله توی مغزت خالی می کنم. فقط یک گلوله. از صبح تا حالا دنبال تو بودم. بگو بینم از دیروز کجا هارفتی و چه کارها کردی؟ جوانی بود قد کوتاه. ۳۰ ساله به نظر می رسید. سبیل پریشانی داشت و شبیه ترکمن ها بود. خیلی خونسرد و با شهامت جواب داد:

من یک یزشکیار هستم. برای من فرق نمی کند مریم شیبه باشد یا سنی، زرتشتی باشد یا کلیبی، چینی باشد یا راستی. این طرفی ها و آن طرفی ها را مرتب به بیمارستان می رسانند. اما از آن طرف هیچ زخمی را قبول نمی کردند. دو نفر را که در تحضیر خورده بودند، می خواستم ببینم بیمارستان. سه تا آمبولانس توی بیمارستان بود. نگذاشتند آمبولانس ها بروند و آنها را بیاورند. گفتم یک آمبولانس به من بدهید، بروم زخمی ها را ببینم. گفتند آمبولانس نداریم. من رفتم و با یک ماشین تویوتا که مال یکی از دوستانم بود زخمی ها را آوردم بیمارستان. می دانی که یکی از زخمی ها نرسیده به بیمارستان مرده بود. آن یکی هم وضعش خیلی خراب است. پاسدار از حاشی پرید و فریاد زد:

چی؟ کمک. کمک به دشمن. بسیار خوب. لابد فدائیی هم هستی.

یزشکیار گفت:

مراحم به خودم مربوط است. عقیده آزاد است و به کسی مربوط نیست. بی اختیار یاد دکترا شونند افتادم. پیش خودم چند بار تکرار کردم کمک به دشمن. کمک به دشمن! پاسدار پوست پلنگی که توقع چنین برخوردی را نداشت وقتی دید حسابی خط کردن قضیه به طرف من چرخید و با حالت مسخره ای گفت:

راستی رفقا بیت کجا هستن؟ همانها که فرار کردند. بابی اعتنائی نگاهش کردم - نمیدانم. ولی من می دانم. الان توی سنگر هستن و دارن می جنگن. خیره نگاهش کردم. دندان های پشمی را بهم فشرد و گفت:

شانس بهارن زنده دستگیر نشن. دستت روی نارنجک کمزش کشید، دوباره رو کرد به یزشکیار و گفت:

بسیار خوب. اگر زنده از اینجا رفتی شاهکار تو برای رفقا تعریف کن. دوباره در باز شد و یک نفر دیگر را آوردند. دهقان بود. گفتند اسلحه داشته است. یکی دیگر را آوردند. محصل بود. او را جلوی دروازه گنبد توی مینی بوس گرفته بودند. آمده بود از صحنه های جنگ عکس بگیرد که پاسداران دستگیرش کرده بودند. پاسدار پوست پلنگی باز جوشی او را گاز کرد. محصل روحیه اش خوب بود. از این که بگوید چینی است و هوادار فدائی و اهمیتش نداشت آن شب چهار نفر شدیم. پاسدار پوست پلنگی که گرفت خیره ها مثل برق زد و بددل شد. ترازه فهمیدم در شهر چه گذشته است. مهمترین خبر قضیه نارنجک بود که قبلا پاسداران اشاره کرده بودند. موضوع از این فراتر بود که در جریان راهپیمایی از میان گروهی از عناصر مزدور و وابسته به سرمایه داران و زمینداران که قصد خون کشیدن راهپیمایی مردم ترکمن را داشتند. یک نفر نارنجکی

بپروان می آورد که به طرف صف مردم بیندازد. عده ای مانع او می شوند. نارنجک چند دشت می گردد و فیسبان خودشان منفجر می شود و همین مسئله بهانه ای می شود به دست آنها بی که آماده جنگ بودند. آماده بودند تا به صف مردم زحمتکش حمله کنند.

آن شب تا صبح صدای گلوله یک دم قطع نشد. صبح یکشنبه خشونت پاسداران بیش از همیشه بود. همه خسته بودند. همه در حین راه رفتن چرت می زدند. نزدیک های ساعت ۸ عده زیادی از ترک آبادی ها آمدند جلوی ستاد و شروع به داد و فریاد کردند که به ما اسلحه بدهید. پاسداران اول می خواستند آنها را بفرستند سراغ ارتش. میرپور می گفت:

د بروید از ارتش بگیرید. ما هر چه داریم برای خودمان لازمه.

یکی از آنها سرک کشید توی انبار. اگهی، خدایا مرز این همه فشنگ، چرا حصر می زنی. خلاصه همه ترتیب بود حدود ۴۰-۵۰ نفر اسلحه گرفتند. صاف کشیده بودند. میرپور توی انبار بود. یک پاسدار امضا می گرفت و پاسدار دیگر فشنگ می داد. ادامه صف درست از پشت اطاق وارد می شدند. آهسته با هم صحبت می کردند یکی از بچه ها ترجمه کرد. به هم می گفتند:

فشنگ ها را که دیگر پس نمی دهیم. فشنگ ها و نارنجک ها رو هم تا می تو نیم حرام نکنیم. فشنگ را دانای ۳ تومان می خرند. بعد می فروشیم. یکی می گفت:

من دوتا نارنجک قاپم کردم. آنها فشنگ ها را گرفتند و رفتند. اما هر ساعت بر می گشتند و فشنگ می خواستند. شاید در همان یک روز ده بار مراجعه کردند. میرپور می گفت: آخر این فشنگ ها کجا میره؟

بابا ما به پا چریکیم. از کوچ پس کوجه های می رویم می زیم وسطشون. پاسداران که متوجه کنجکاو می شده بودند، پرده های پارچه ای آوردند و از بیرون پنجره ها را بستند. دیگر جایی رانمی دیدیم. از آن پس فقط یک چیز زامی شنیدیم. جمله ای که در سرتا سر شبانه روز تکرار می شد.

میرپور فشنگ...
میرپور خشاب...
میرپور نارنج...
میرپور خشاب...
توهی فشنگ میدی. آخه منگه وقت ندارم خشاب بپرکنم. خشاب... خشاب... نارنج... نارنج...

حدود ظهر بود. یک نفر دیگر را آوردند. چشم های پشمی بسته بودند. ۴۰ ساله بود. خیلی قوی هیکل و تنومند. دستهای بزرگی داشت. پوست پلنگی هم آمد. بچه ها دیگه پیش می گفتند تهرانی. رو کرد به زندانی می گفتند:

چشم تو باز کن. دستمال را از چشم باز کرد. آورد جلو و به تهرانی می گفت:

بفرمائین. مال برادران پاسدار است. تهرانی گفت:

نه قابلی نداره. نگهبان. لازمت میشه. حتما لازمت میشه. مطمئن باش.

همه مقصودش را فهمیدند. دستمال خال خال سیاه داشت شکل دستمالی بود که به چشم شهر بارنا میزد. تهرانی رو کرد به من و گفت:

این رفیقت هم توی ستاد کار می کرد. رو کرد به اون.

خوب برای رفقا چکار می کردی؟
راندند بولدزر بودم چندبار به جهاد سازندگی مراجعه کردم. کار بهم ندادن. ستاد شوراها کار داشت. منم رفتم آنجا. تهرانی گفت:

کار؟ بعله. "کار" که داشت. پس "کار" هم می خوردی. خوب دیگه بگو. من نمی فهمم. کار که

جرم نیست. من توی روستاها جاده می کشیدم. تهرانی پرسید:

بولدزر مال کی بود؟ مال ستاد.
بولش را از کجا آورده بودند؟
از ۲۰٪ خریدم. بودند. برای روستائی ها جاده می کشیدند. بعد روستائی ها جقدر خوشحال بودند. هر جامی ریگ توی دهات حلوی بولدزر گوسفند می کشند.

تهرانی حسابی عصیانی شده بود. به کاپشن تن راننده اشاره کرد.
حتما این راهم از ۲۰٪ برای خریدند.

نه قربون. من ماهی سه هزار تومان پول می گرفتم. من واسه شوراها جاده می کشیدم. تهرانی فریاد زد:

نه. با بولدزر واسه اوناسا سنگر می کنیدی. فهمیدی یا نه؟ واسه دشمن سنگر می کنیدی. نه خیر واسه دهقانان جاده می کشیدم.

نه سنگر می کنیدی. سنگر چه؟ چرا دروغ می گوی؟ من رفتم بودم تهران واسه بولدزر و اسلحه بخرم. تازه برگشته بودم. از مینی بوس میاده شدم. داشتم می رفتم خونه جلومو گرفتند. یکی منو کشید عقب به پاسدارها گفت:

این بولدزر ستاد دهنده مام من گفتم. معلومه که دیدی. من راننده بولدزر ستاد هستم. دیگه شوق الفکر که بگردی. مرا هول دادند روی خاکها بعد گلنگدن را کشیدند. فحش دادند. گفتند "الان می بندیمت به رگبار. زخم صدای منوشنید. او صد بیرون جیب کشید. هولش دادن تو. درو بستند. من ۹ نفر تو منم دهم. تهرانی گفت:

بسه دیگه. چی بنه؟ از حلوی خونه تا اینجا منورند. توی سرم توی شکم، توی پشتم.

ادامه دارد

از مبارزات شوراها دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی

(قسمت دوم)

✪ خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم
موقعیت اجتماعی و وسایل کسب خود را از دست می دهد، از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد.

✪ پرولتاریا همراه با اجتماعی شدن تولید
خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است.

✪ پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه
ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد.

جالب اینجاست که گروه اشرف دهقانی موضعگیری "حزب توده" را نسبت به دولت ملی دکتر مصدق مورد انتقاد قرار می دهند:

"حزب توده نمی توانست حرکت ملی دکتر مصدق را تأیید نماید. تز موازنه منفی دکتر مصدق طبیعتاً با اهداف حزب توده و کراپشات عملی آن ناهمانگسی داشت.

(همانجا صفحه ۸)

اما گروه مذکور توجه نمی کند که موضعگیری اینسان در رابطه با حاکمیت دقیقاً یادآور موضعگیری "حزب توده" در باره دولت ملی دکتر مصدق است. اینسان برای اثبات وابسته بودن خرده بورژوازی سنتی ماهیتاً از همان منطق استدلال "حزب توده" در آن زمان استفاده می نماید. اینان فراموش می کنند که جنبه ملی مصدق سرکوب جنبش خلق آذربایجان را تأیید کرده است، که باند های وابسته به جنبه ملی مصدق بارها به تظاهرات و تحمیل های کارگری حمله کرده اند، که مصدق هرگز حاضر به همکاری رسمی با کمونیست ها نگردید. در آن زمان نیز "حزب توده" از درک ماهیت دوگانه بورژوازی ملی عاجز ماند و مواضع دکتر مصدق را با امپریالیسم آمریکا و موضعگیری های ضد کارگری وی را دلیل آن دانست که مصدق عامل امپریالیسم آمریکا است.

سازمان پیکار اشغال سفارت آمریکا را سیاست مجموعه هیئت حاکمه می داند که ابتکار انجام آن بر عهده خرده بورژوازی مرفه سنتی گذاشته شده است. از همین رو این اقدام رانه یک اقدام ضد امپریالیستی بلکه اقدامی در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه داری وابسته قلمداد می کند:

"هیئت حاکماتی که مجبور است برای بقای حاکمیت خود به احیای سیستم سرمایه داری وابسته بپردازد، اینک می کوشد برای تأمین منافع دراز مدت خود و با توجه به مضمون عمیق ضد امپریالیستی جنبش دمکراتیک توده ها، خود را با مبارزات توده ها هماهنگ نشان داده و موقتاً توده ها را برضد امپریالیسم آمریکا که شاه خائن را پناه داده برای تحویل شاه خائن بشوراند تا شاید خود او سیستم سرمایه داری وابسته را از دست بحرانی که می رود تمام دشمنان انقلاب را در خود بسوزاند، خلاص کند.

(صفحه ۳۴)

این حملات به بهترین وجه عمق آشفتگی فکری پیکار و فقر ایدئولوژیک آن را به نمایش می گذارد. گفته می شود که بورژوازی مالکیت را در دست دارد، که هیئت حاکمه مجموعاً ضد خلقی و ارتجاعی است که مجبور به احیای سیستم سرمایه داری وابسته است، که سرمایه داری وابسته در بحران عمیق سیاسی - اقتصادی است، و ناگهان نتیجه گرفته می شود که حل بحران از طریق شوراندن توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و همگامی با مبارزات ضد امپریالیستی توده ها امکان پذیر است.

پیکار می گوید:

"امپریالیسم آمریکا پس از این کروگان گیری سعی در افزایش فشار اقتصادی - سیاسی به دولت ایران می کند و در این رابطه حتی از تقویت و تحریم نیروهای سرچشم نظیر نفوذ آل ها در بلوچستان و مناصری از وابستگان خویش در میان محافل نزدیک به قدرت حاکم... نیز رویگردان نمی شود. وی می کوشد تا از این طریق هم سیاست اعمال فشار خویش را به پیش برد.

(شماره ۴۰، صفحه ۱۲)

و در جایی دیگر:

"قطع خرید نفت ایران از جانب کارتر نیز...

بلوکه کردن دارائی های ایران در بانک های امریکائی و... عدم صدور برخی مواد اولیه به ایران، تهدید به محاصره اقتصادی و... در ادامه همین سیاست ها صورت می گیرد.

(همانجا)

ویاز می گوید:

"و سرانجام دولت آمریکا بطور تلویحی وبه خاطر تحت فشار قراردادن ایران، از امکان اقدام نظامی آمریکا علیه ایران سخن می گوید..."

(همانجا)

ولی علیرغم تمامی این واقعات از نظر پیکار جنگ هیئت حاکمه ایران با آمریکا جنگی زرگری است که برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته انجام می گیرد پیکار با عدم درک تضادهای درونی هیئت حاکمه ارزیابی غلط از همزونی در دستگاه حاکمه، درک غلط از ماهیت خرده بورژوازی سنتی، درست همسان اشتباهی را مرتکب می شود که خود به گرایش "چپ" نسبت می دهد. به راستی اگر دستگاه حاکمه مجموعاً ضد خلقی است (یعنی نماینده امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است) این همه روش های امپریالیسم آمریکا که خود پیکار آنها را برمی شمارد به چه معنی است؟ مگر یک نیروی اجتماعی بدون داشتن تمایلات ضد امپریالیستی می تواند در صف مبارزه ضد امپریالیستی واقفان شرکت داشته باشد؟

واقعیت آن است که خرده بورژوازی سنتی بنا به ماهیت طبقاتی اش نظیر سایر اقشار و طبقات بنیادینی ماهیت دوگانه دارد. خرده بورژوازی مدافع مالکیت خصوصی و صاحب وسایل تولید است. او در تلاش افزایش سرمایه بود و مضمود به موضع بورژوازی است. اما تولید و تجارت بزرگ عرصه را بر او تنگ می کند و تولید و تجارت کوچک را به خطر می اندازد. گسترش نفوذ امپریالیسم و رشد سرمایه داری وابسته او را به ورشکستگی و نابودی می کشاند. خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم موقعیت اجتماعی و وسایل کسب خود را از دست می دهد و به دامان پرولتاریا سقوط می کند. سرمایه بزرگ موقعیت او را به عنوان یک بخش مستقل جامعه به خطر می اندازد. خرده بورژوازی از این سقوط وحشت دارد و از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد و در جنبش ضد امپریالیستی نقشی مترقی و انقلابی بازی می کند.

از سوی دیگر پرولتاریا بنا به ماهیت طبقاتی اش با مالکیت خصوصی وسایل تولید سر ستیز دارد که همراه با اجتماعی شدن تولید خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است، چرا که در به قدرت رسیدن پرولتاریا با نابودی مالکیت کوچک خویش را می بیند. در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ، پرولتاریا راه باری می طلبد و از ترس پرولتاریا به بورژوازی نزدیک می شود.

از این رو خرده بورژوازی می تواند به نیروی ذخیره پرولتاریا و با بورژوازی تبدیل شود.

خرده بورژوازی عقب مانده هنگامی که خود رهبری جنبش را در دست گیرد، ماهیت دوگانه خود را تماماً به نمایش می گذارد، در زمینه تخریب سیاسی نظام قبلی قاطعیت از خود نشان می دهد، اما در زمینه ساختن نظام آتی طرحی عملی ندارد. بیسیستم سرمایه داری و سوسیالیسم به دنبال راه سوم می گردد. اما این "راه سوم" افسانه ای بیش نیست که با واقعات عصر سرمایه انحصاری سخت بیگانه است. اتویکی خرده بورژوازی سنتی در ایران هنگامی که به عقب مانده ترین اشکال تفکر مذهبی توأم می شود، به

شکل "ولایت فقیه" بازگشت به دوران کهن گذشته را وعده می دهد و زمانی که پاداش های نوین ترکیب می گردد به شکل "حاشیه بی طبقه توحیدی" نمایان می شود و در کنار مالکیت خصوصی برافزار تولید مدینه فاضله ای عاری از ستم امپریالیسم را جستجو می کند.

این اتویها در عین واپس گرائی، بنا به خصمت خود هیچوقت تحقق نمی یابند و به این دلیل خرده بورژوازی علیرغم خواست ذهن خود هرگز قادر به نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته نیست. از این رو خرده بورژوازی در قدرت سرانجام ناچار است با رنانه بورژوازی را پذیرفته و زیر رهبری آن تبدیل به عامل احیای نظام سرمایه داری وابسته گردد و با تحمیل رهبری پرولتاریا قرار گیرد. این جریان بر تضاد و پیچیده غالباً به تجزیه طبقاتی خرده بورژوازی شکل سیاسی می بخشد. اقشار بالای آن به بورژوازی و اقشار پایین آن به پرولتاریا می پیوندند.

زیگراگ های سیاسی آن بخش از روحانیت که نمایندگی خرده بورژوازی را در حاکمیت بر عهده دارد، در یک سال گذشته هم این خصمت دوگانه خرده بورژوازی را به نمایش می گذارد. در کنار اعدام انقلابی مزدوران رژیم گذشته و فرماندهان ارتش شاهنشاهی، با هراس از نیروهای رادیکال انقلابی، به بازسازی ارتش رضایت می دهد. از یک سو به پرولتاریا جنگ و دندان نشان می دهد و از سوی دیگر بورژوازی لیبرال را از مسند قدرت به زیر می کشد. از یک طرف زیر برنامه بورژوازی انحصاری به بسیج فاشیستی بر علیه جنبش حق طلبانه خلق هادست می زند و از طرف دیگر بر اشغال سانسورخانه آمریکا مهر تأیید می گوید. ویی در پی با یک دست بورژوازی لیبرال را از خود می راند و با دست دیگر او را به سوی خود می خواند.

سیاست پرولتاریا در مقطع کنونی نمی تواند جدا از پروسه پرتضاد حرکت خرده بورژوازی و زیگراگ های سیاسی آن، بدون توجه به گرایش غالب بر سیاست خرده بورژوازی در هر مقطع و بدون در نظر گرفتن سطح آگاهی توده ها و پتانسیل مبارزاتی آنها و تضادهای درون هیئت حاکمه تنظیم گردد. پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد. پرولتاریا می بایست ضمن شرکت در جنبش ضد امپریالیسم امپریالیستی و تعمیق محتوای آن، آلترناتیو واپس گرایی خرده بورژوازی را که به بهترین وجه در قانون اساسی تجلی یافته است، افشا نماید. پرولتاریا باید به توده ها نشان دهد که عیسیم آزادی هلی دمکراتیک برای نیروهای مترقی به رسمیت نشناختن حق خود مختاری ملت ها و عدم شرکت فعال واقعی (نه فرمایشی) زنان در مبارزه، و مخالفت با اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و... چه ضربات بزرگی به جنبش ضد امپریالیستی وارد می سازد. پرولتاریا می بایست نشان دهد که یک نیروی ضد کمونیست سرانجام نمی تواند جنبش را به سرانجام رساند و این انقلاب در صورتی که پرولتاریا در راس جنبش قرار نگیرد در نیمه راه خود یک بارد بگرا شکست مواجه خواهد شد. پرولتاریا در مقطع کنونی می بایست ضمن نشان دادن عوام فریبی اپورتونیسیم "چپ"، با تأکید بر عمدگی خطر اپورتونیسیم "راست" و افشای بی دریم آن در جهت تشکیل صف مستقل پرولتاریا برای سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک توده ای کام برودارد. پرولتاریا باید بکوشد که با افشا و منفرد ساختن بورژوازی لیبرال خلق را تحت همزونی خود متشکل نموده و این انقلاب را به پیروزی رساند. ادامه دارد

نابود باد جنبه سرمایه داران لیبرال

شوراهای دهقانی خراسان، جبهه زمینداران بزرگ

و حامیان را درهم می‌کوبند

در سال گذشته دهقانان روستای حکیم آباد (شهرین سو) خراسان، علیه زمینداران بزرگ و در جهت خواست‌های خود مبارزه‌های را آغاز کردند که اینک پس از گذشت یک سال، سراسر روستاهای خراسان را فراگرفته است. این مبارزات هر چند به فراز زمینداران بزرگ از روستاها منجر گردید، ولی تا به امروز نیز با انواع توطئه‌ها از طرف مالکین روستاها، بعضی از روحانیان طرفدار مالکین و عسکران از مسئولین دولتی نیز در جهت سرکوب مبارزات حق طلبانه دهقانان دست به اقدام زده‌اند.

حاجی قاضی و عاقل زاده غاصبین زمین‌های روستای حکیم آباد، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، با حمایت دولت شاهنشاهی و با توسل به انواع زمینه‌چینی‌ها و به زور سرنیزه زاندر مزی و ارتش توانستند به تدریج تمام زمین‌های خرد مالکان را متصرف شوند و روستایان را مجبور کنند که زمین‌هایشان را با قیمت‌های نازل در اختیار آنان بگذارند و آواره شهرها شوند.

زمین‌داران بزرگ برای آنکه بتوانند مبارزه دهقانان را سرکوب کنند، کشاورزان و کارگران خود را از میسکان ملت‌های مختلف ایرانسی،

نظیر ترک، کرد، بلوچ انتخاب کرده و با توسل به شیوه‌های رذیله‌ها میان آنها چند دستگی ایجاد می‌کردند. آنان روستایان را به بهانه کوچکترین غفلت در کار مورد شکنجه و آزارهای وحشیانه‌ای قرار می‌دادند که به قسول دهقانان محل در اغلب موارد به قتل روستایان منجر می‌شده است.

زمینداران بعد از قیام نیز با حمایت بعضی از روحانیون سرشناس منطقه و محافظان جناح‌های طرفدار زمینداران و مالکین در سپاه پاسداران و کمیته‌ها، به فشار خود بر روستایان ادامه دادند و به سرکوب مبارزات آنان پرداختند. سرکوب مبارزات دهقانان، علیرغم میسکان زمینداران و حامیان آنها موجب گسترش مبارزات دهقانان شد. آنان به مصداق ۵۰ هراس از گوسفندان حاجی قاضی دست زدند که با کمک سپاه پاسداران منطقه پس گرفته و به مالکین بازگردانده شد. سپس دهقانان هنگام تقسیم خرمین اقدام از پرداخت سهام ارباب خودداری کردند و بطور جمعی و متحدانه

در مقابل ارباب و اربادی آن ایستادگی کردند. این عمل منجر به فرار مالکین از ده شد. اما به تحریک اربابان و عناصر حامی آنان در درون سپاه پاسداران، پاسداران روستا حمله برده یکسری از کشاورزان مورد اعتماد روستایان را دستگیر می‌کنند. به دنبال این واقعه روستایان دست به مقاومت مسلحانه می‌زنند و پاسداران را مجبور به خروج از ده می‌کنند.

مالکین در ادامه فعالیت‌های سرکوبگرانه خود، برای مقابله با دهقانان زحمتکش اقدام به اجیر کردن عده‌ای مزدور می‌کنند. از طرف کمیته منطقه نیز به کشاورزان اخطار می‌شود که هرگاه تسلیم نشوند با تمام قوا سرکوب خواهند شد. کشاورزان که وضع را چنین می‌بینند جریان را با تمام روستاهای اطراف در میان می‌گذارند و با توجه به پیوند هائی که بین روستایان این منطقه وجود دارد و بر اساس وضعیت مشابهی که در آن به سر می‌برند متحدانه تصمیم به مصادره زمین‌های اربابان و اخراج آنان از روستا می‌گیرند و

ضمناً روستایان به هم می‌بندند که در مقابل هرگونه تجاوزی با تمام قوا ایستادگی کنند و متحدانه مبارزه بر خیزند. در این میان زاندر مزی و بخشی از سپاه پاسداران از مشهد به محل اعزام می‌شوند تا با دهقانان به مقابله بپردازند. که در برابر مقاومت یکپارچه روستایان، ناچار به محل خود بازمی‌گردند.

روستایان برای حفظ پیروزی‌های خود و رسیدگی به وضع زمین‌ها، از هر روستا چند نفر را به نمایندگی به حکیم آباد می‌فرستند که پس از چهار روز گفتگو و تبادل نظر با توجه به این که زمین‌ها مکانیزه هستند و از طرفی ماشین‌ها هم قابل تقسیم نیستند تصمیم می‌گیرند که روستاهای دهقانی به وجود آورند و امر کاشت و برداشت را بطور شورائی به انجام رسانند. دهقانان مبنای تقسیم محصول را نیز بر اساس نیروی کار که در جریان کاشت و برداشت به کار می‌گیرند، می‌گذارند. همچنین برای از بین بردن تبعیض‌های ناشی از

قومیت‌های مختلف و برای این که دیگر مالکین نتوانند به نفع خود از اختلافات آنان سود جویند تصمیم می‌گیرند که از هر ملیت یک نفر در شورا عضو باشد. در پایان این تصمیمات مهم که اراده و آگاهی رنجبران مبین ما را در از بین بردن تبعیض و نابرابری‌های نظام سرمایه‌داری بازگویی کرد، شورا جشن بزرگی برگزار می‌کند که در آن همه روستاهای منطقه شرکت داشتند. آنها زندگی تازه خود را جشن می‌گیرند تا به نیروی اتحاد خود، کشت پاشیز را بطور شورائی آغاز کنند.

اگر چه مقامات دولتی و کمیته‌ها در برابر قدرت عظیم دهقانان عقب نشستند، مالکین به کوشش‌های تازه‌ای دست زدند، از جمله مالکین منطقه به گرد چند تن از روحانی‌نماهای طرفدار خود متشکل شده‌اند و با توجه به نفوذی که در ارگان‌های دولتی دارند به تلاش‌هایی برای زداندن زمین دهقانان دست زدند. اما این بار کوشش می‌کنند از طریق مسلح ساختن ابادی خود به مقابله با دهقانان بپردازند. شواهد و قرائنی در دست است که کوشش آنها را برای مسلح ساختن ابادی خود به اثبات می‌رساند. لیکن پیروزی از آن کارگران و دهقانان است.

خلق ترکمن در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نمی‌کند

بدینوسیله کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن اعلام می‌دارد که چون کاندیداهای انقلابی و نمایندگان واقعی خلق ترکمن برای مجلس شورای ملی شهر محمد در خشنده تواجو عبدالحکیم مختوم نا جوان مردانه توسط رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و در زندان بدون محاکمه اعدام شدند، همچنین به دلیل ایجاد محیط رعب و وحشت و ترور در منطقه توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاعی و اعتراض به اعدام‌های بدون محاکمه و اعمال خستونت و وحشیانه و

ضد انسانی آنان خلق ترکمن در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نخواهد کرد. ما اعتقاد داریم که رژیم جمهوری اسلامی در پی مانعت برای انتخاب نیروهای انقلابی به نمایندگی مجلس شورای ملی از شیوه‌های مختلف از جمله اعدام نمایندگان انقلابی مردم و دور حملای کردن انتخابات استفاده نموده است. روی این اصل از کلیه مردم ترکمن صحرا بخصوص زحمتکشان و دهقانان می‌خواهیم که با عدم شرکت خویش در این انتخابات فریاد

خبرهای روستائی

آمل - روستای سائیح محله
روز دوشنبه ۸ بهمن ۴۵ نفر از اهالی بی‌زمین سائیح محله یکی از روستاهای آمل واقع در جاده لوزچستان با دردست داشتن بیل و کلنگ و داس بسا شعار "مرگ بر عیران دشمن سرختمان"، "کار برای کارگر، زمین برای بزرگ"، "زمین، حق مسلم ماست" برای مصادره ۳۰ هکتار زمین و تقسیم آن مابین روستایان بی‌زمین دست به راهپیمائی

آمل - روستای مروند
در حدود ۱۲ خانوار بی‌زمین و کم‌زمین روستای مروند یکی از روستاهای آمل روز یکشنبه ۷ بهمن زمینی به مساحت ۱۷ هکتار را که در تصرف یک زمین‌دار شهری به نام نوبخت بوده است

اعتراض خلق ترکمن را بر علیه اعمال ضد مردمی رسانند و به گوش همه جهانیان برسانند.

پیروزی با مبارزات حق طلبانه خلق قهرمان ترکمن مستحکم باد وحدت خلق‌های سراسر ایران پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق قهرمان ایران

کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ۱۱ اسفند ۵۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



کمکهای مالی دریافت شده

| ردیف | نام | مبلغ | تاریخ | ردیف | نام | مبلغ | تاریخ |
|------|-----|------|-------|------|-----|------|-------|
| ۱ | ... | ... | ... | ۱ | ... | ... | ... |
| ۲ | ... | ... | ... | ۲ | ... | ... | ... |
| ۳ | ... | ... | ... | ۳ | ... | ... | ... |
| ۴ | ... | ... | ... | ۴ | ... | ... | ... |
| ۵ | ... | ... | ... | ۵ | ... | ... | ... |
| ۶ | ... | ... | ... | ۶ | ... | ... | ... |
| ۷ | ... | ... | ... | ۷ | ... | ... | ... |
| ۸ | ... | ... | ... | ۸ | ... | ... | ... |
| ۹ | ... | ... | ... | ۹ | ... | ... | ... |
| ۱۰ | ... | ... | ... | ۱۰ | ... | ... | ... |
| ۱۱ | ... | ... | ... | ۱۱ | ... | ... | ... |
| ۱۲ | ... | ... | ... | ۱۲ | ... | ... | ... |
| ۱۳ | ... | ... | ... | ۱۳ | ... | ... | ... |
| ۱۴ | ... | ... | ... | ۱۴ | ... | ... | ... |
| ۱۵ | ... | ... | ... | ۱۵ | ... | ... | ... |
| ۱۶ | ... | ... | ... | ۱۶ | ... | ... | ... |
| ۱۷ | ... | ... | ... | ۱۷ | ... | ... | ... |
| ۱۸ | ... | ... | ... | ۱۸ | ... | ... | ... |
| ۱۹ | ... | ... | ... | ۱۹ | ... | ... | ... |
| ۲۰ | ... | ... | ... | ۲۰ | ... | ... | ... |
| ۲۱ | ... | ... | ... | ۲۱ | ... | ... | ... |
| ۲۲ | ... | ... | ... | ۲۲ | ... | ... | ... |
| ۲۳ | ... | ... | ... | ۲۳ | ... | ... | ... |
| ۲۴ | ... | ... | ... | ۲۴ | ... | ... | ... |
| ۲۵ | ... | ... | ... | ۲۵ | ... | ... | ... |
| ۲۶ | ... | ... | ... | ۲۶ | ... | ... | ... |
| ۲۷ | ... | ... | ... | ۲۷ | ... | ... | ... |
| ۲۸ | ... | ... | ... | ۲۸ | ... | ... | ... |
| ۲۹ | ... | ... | ... | ۲۹ | ... | ... | ... |
| ۳۰ | ... | ... | ... | ۳۰ | ... | ... | ... |
| ۳۱ | ... | ... | ... | ۳۱ | ... | ... | ... |
| ۳۲ | ... | ... | ... | ۳۲ | ... | ... | ... |
| ۳۳ | ... | ... | ... | ۳۳ | ... | ... | ... |
| ۳۴ | ... | ... | ... | ۳۴ | ... | ... | ... |
| ۳۵ | ... | ... | ... | ۳۵ | ... | ... | ... |
| ۳۶ | ... | ... | ... | ۳۶ | ... | ... | ... |
| ۳۷ | ... | ... | ... | ۳۷ | ... | ... | ... |
| ۳۸ | ... | ... | ... | ۳۸ | ... | ... | ... |
| ۳۹ | ... | ... | ... | ۳۹ | ... | ... | ... |
| ۴۰ | ... | ... | ... | ۴۰ | ... | ... | ... |
| ۴۱ | ... | ... | ... | ۴۱ | ... | ... | ... |
| ۴۲ | ... | ... | ... | ۴۲ | ... | ... | ... |
| ۴۳ | ... | ... | ... | ۴۳ | ... | ... | ... |
| ۴۴ | ... | ... | ... | ۴۴ | ... | ... | ... |
| ۴۵ | ... | ... | ... | ۴۵ | ... | ... | ... |
| ۴۶ | ... | ... | ... | ۴۶ | ... | ... | ... |
| ۴۷ | ... | ... | ... | ۴۷ | ... | ... | ... |
| ۴۸ | ... | ... | ... | ۴۸ | ... | ... | ... |
| ۴۹ | ... | ... | ... | ۴۹ | ... | ... | ... |
| ۵۰ | ... | ... | ... | ۵۰ | ... | ... | ... |

"دولت موقت" قرار می گیرند و پست های وزارت و کابینه ها را اشغال می کنند. در شورای انقلاب می خزند، در مجلس خبرگان حضور می یابند و با تمام قوا آشکار و پنهان در صدد جنبش انقلابی توده ها راه شکست کشانند. آنان آشکارا مردم و مبارزات آنان را تحقیر می کنند و سازشکاری با امپریالیسم امریکایی و خیانت های خود را "افتخار" می نامند. پنهانی جلسات توطئه آمیز ترتیب می دهند و از هر فرصتی برای شکل و سازمان دهی خود سود می جویند و اکنون که در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی هستیم در صدد آن که با حضور در مجلس با نام مردم علیه مردم اقدام کنند. ولی مردم ما دیگر می دانند که جنبه ملی، نهضت آزادی و حزب لیبرالی که در شرف تأسیس هستند دیگر نه تنها رنگ ملی تاریخی خود را باخته اند بلکه به محفل همنای ضد انقلابی مبدل شده اند که وظیفه ای جز کوشش برای شکست جنبش ضد امپریالیست دمکراتیک خلق های مبین ما ندارند.

سیزدهمین سال درگذشت ...

ضعف های تاریخی - طبقاتی دکتر مصدق موجب استضعاف و افراهم آورد و در نتیجه ارتشی که در رأس آن خود دکتر مصدق قرار داشت به سود امپریالیسم امریکایی ابادی داخلی اش علیه او و علیه خلق های ایران دست به کودتای سپاه ۲۸ مرداد زد و حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساخت. نتیجه آن که تمام دستاوردهای جنبش ملی دمکراتیک مردم ایران بر باد رفت و ۲۵ سال دیگر سلطه بر خشن و غارت و وحشیانه امپریالیسم جهانی در رأس آن امپریالیسم امریکا توسط خاندان منفور پهلوی ادامه یافت. اکنون ارزیابی صحیح از مصدق و سیاست های او برای انقلاب مردم ما از اهمیت اساسی برخوردار است. چه موقعیت ضد امپریالیستی دکتر محمد مصدق محمول وجود و حضور بورژوازی ملی ایران در عرصه مبارزه طبقاتی بود. آنچه که قریب سه دهه

بدنبال یکسال پیکار شوراهای دهقانان بالاخره ...

مشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا قرار داشتند نقش برجسته داشته است. شوراهای دهقانی در ترکمن صحرا، امروز برای دهقانان سراسر ایران نمونه و سرمشق است. این نمونه که در ماه های اخیر توسط دهقانان مازندران و خراسان مشخصا به کار گرفته شد از قدرت نفوذ روز افزون در سراسر مبین برخوردار است. کشت و برداشت شورایی که گسترش مناسب سرمایه داری دزدانه مناسبات ارضی ایران آن را ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد. تنها شکل واقعی انقلابی حل مسالمانه در اقصی نقاط مبین است. ناهمگونی و ناموزونی رشد سرمایه داری در ایران در عین حال مشکل ساختن دهقانان خرد و مالک را در اتحادیه هایی که می توانند در خدمت بهبود زندگی این بخش از دهقانان عمل نمایند ضروری می سازد. نفوذ دیون کشاورزان سیرد و وام های بدون بهره به آنان، در اختیار گذاشتن

اعتراض به حذف عده ای از کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مطابق اطلاعات رسیده کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مشهد اصفهان، خرمشهر، رامهرمز اهواز، اهر، بندرعباس و ارومیه توسط فرمانداری های شهرستان های مذکور به دلایلی مغایر اصل آزادی فعالیت های سیاسی و مغایر حقوق دمکراتیک مردم از شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی محروم شده اند. مطابق با سخنان فرمانداری شهرستان مشهد به نامه اعتراضی آقای سید محمد قارونی هاشمی زاده کاندیدای معرفی شده توسط سازمان در تاریخ ۱۱ اسفند ۵۸

از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نماینده واقعی دهقانان پشتیبانی کنیم

کارگران، دهقانان، زحمتکشان، خلق‌های قهرمان ایران

با حمایت از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صف نیروهای انقلابی را در مبارزه برای

استقلال - کار - مسکن - آزادی

تقویت کنیم

اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران

| | | |
|---|---|--|
| <p>۷- اصفهان</p> <p>فضل‌الله چایچی اصفهان فاطمه شریعت اصفهان * ابراهیم عبدالحسینی اصفهان * لطف‌الله مجدزاده شهرکرد *</p> | <p>۴- خوزستان</p> <p>آبادان نسیم خاکسار ملیحه السادات آبادان زهتاب مورانی اهواز محمد جواد خاتمی بهبهان نادر نیا پرست رامهرمز بیژن شیروانی اندیمش ناصر رحیم خانی کورج مسجد سلیمان * علی ضامن منجری شوشتر * دکتر ناصر صرافان آبادان * سید فاخر شجری خرمشهر * شهر معیل</p> | <p>۱- تهران</p> <p>مصطفی مدنی حشمت‌الله رئیسی رقیه دانشگری علی محمد فرخنده (کشتگر) مستورما حمدزاده لطف‌الله بیژمان هبت‌الله طبیب غفاری سعید سلطانپور مهدی حاج قاضی تهرانی</p> |
| <p>۸- فارس</p> <p>صدیقه صرافت شیراز حسین نخعی شیراز</p> | <p>۵- گیلان</p> <p>رشت دکتر محمد رضا جوشنی املشی رشت ضرغام محمودی لاهیجان انرج نیبری فومن * محسن پور صفار فومنی لنگرود * زین العابدین کاظمی انزلی * محمد خوش ذوق (خوشدل) آستانه * شهروز رضایی نژاد سیاهکل محله رأسر * سید هادی شیخ الاسلامیان رشت * یوسف نصیری منطقه طاش‌سابل * نظام الدین خطیبی رضوانشهر هشتپرو * . . .</p> | <p>۲- آذربایجان</p> <p>تبریز ابوالفضل محقی تبریز نعمت‌الله گل‌هین تبریز حمید حمید بیگی شستر علی رستم زاده شبستری ارومیه * قربا نعلی پاشائی اردبیل * یوسف اکبری اهر * علی (اصغر) نوری مغان * مطلب اسدی میاندوآب * مقصود کاسبی سراسکند * سید جمال سید طاهری میانه * منوچهر قاسملو</p> |
| <p>۹- خراسان</p> <p>سید محمد قارونی مشهد</p> | <p>۶- مازندران</p> <p>فردوس جمشیدی رودباری قائم شهر حسن صد بیان بابل محمد رضا مهجوریان آمل</p> | <p>۳- کردستان</p> <p>بوکان انور سلطانی بانه و سقز * عبداللما قدامی مهاباد * رحیم محمودی سنندج * فریده قریشی مریوان * عبدالرضا کریمی اشنویه و نقده * صالح آذربور</p> |
| <p>۱۰- مرکزی</p> <p>مرتضی میثمی قزوین ناصر شهاب اراک</p> | <p>۱۱- سیستان و بلوچستان</p> <p>حسن رئیسی ایرانشهر *</p> | <p>۱۲- هرمزگان</p> <p>نصیرالدین کریم زاده بندرعباس * غلام سنگری میناب *</p> |
| <p>۱۳- لرستان</p> <p>محمد جودکی بروجرد براتعلی رخشان خرم‌آباد</p> | <p>توضیح * معرفی شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران</p> | |

استقلال - کار - مسکن - آزادی



ال سالوادور هم آزاد می شود

اوج گیری مبارزات دایمیستی و اعتلای جنبش توده‌ای در امریکای مرکزی امیدهای تازه ای را برای درهم شکستن امپریالیسم امریکا نوید می دهد. مبارزات قهرمانانه ای که امریکای مرکزی را به یکی از کانون های مستقل مبارزه علیه امپریالیسم بدل نموده است نشانه دیگری از زوال امپریالیسم در عصر ما است. در گواتمالا، تشدید مبارزات توده‌ای و افزایش دامنه فعالیت رزمندگان مسلح، نگرانی بیش از پیش امپریالیست ها و مزدوران داخلی شان را موجب گردیده است.

مقابله بانفوذ کمونیست ها دستور تیراندازی به سوی کارگران اعتصابی (در تاریخ ۲۷ دی ماه) صادر نماید. این عمل باعث گردید تا بار دیگر با هیبت ضد کارگری و ضد خلقی حکومت در برابر توده های ستمکش آشکار گردد. این درگیری اگرچه به زخمی شدن ۸ نفر از کارگران اعتصابی انجامید نتوانست آتش مبارزه کارگران را خاموش سازد و باعث شد تا کارگران هر چه مصمم تر به مبارزه حق طلبانه خود ادامه دهند.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه جنبش انقلابی در ال سالوادور از ارج بی سابقه ای برخوردار گردیده است. مبارزات کارگران و دهقانان علیه نظام سرمایه داری وابسته هر روز دامنه بیشتری به خود می گیرد. جایگزین کردن روابط سرمایه داری در سیستم کشاورزی منجر به خانه خرابی فقر و گرسنگی برای ۶۰ درصد اهالی این کشور شده است که در مناطق کشاورزی زندگی می کنند. بهره کشی طبقه سرمایه دار و زمین داران نیکاراگوئه که با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی امریکا به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوند دارند به گونه ای است که این مناطق را به قلب مبارزات طبقاتی ال سالوادور تبدیل کرده است.

توجه به توسعه صادرات غله پس از جنگ، و هجوم شرکت ها و سرمایه داران امریکایی به مناطق کشاورزی، با خانه خرابی دهها هزار نفر از دهقانان همراه بود که مجبور به ترک زمین های شان بودند و اغلب به کارگران کشاورزی تبدیل شدند. بگونه ای که اکنون ۶۰ درصد از زمین ها در اختیار ۲ درصد جمعیت کشور قرار دارد و حدود سه چهارم از خانواده های روستایی به صورت کارگر کشاورزی کار می کنند. بی کاری فصلی کاری حدود نیمی از نیروی کار روستاها را دربر می گیرد. تازه اگر کسی بتواند کار پیدا کند مزد روزانه اش بین ۱ تا ۲ دلار خواهد بود. حدود ۴ تا ۶ ماه از سال در فصل درو کارگران از مزرعه‌ای به مزرعه دیگر نقل

مکان کرده محصولات را که بیش از نیمی از صادرات ال سالوادور را تشکیل می دهند درومی کنند. این وضعیت درگیری های شدیدی را بین کارگران کشاورزی و دهقانان از یک سو با دولت و شرکت ها و طبقه سرمایه دار زمین داران بزرگ موجب گردیده است.

تن رازخی کردند. امپراتور کنندگان با کم کم چریک های چپ به مقاومت پرداخته و به دانشگاه ها و سان سالوادور پناهنده شدند. در روز سوم بهمن ماه راهپیمایی عظیمی به تشییع جنازه شهدای این نبرد پرداختند.



بعد از نیکاراگوئه نوبت ال سالوادور است.

همچنین مبارزات کارگران صنعتی، افزایش بی سابقه ای یافته است. در روز بیست و سوم دی ماه ۵۸ کلیسای بزرگ سان سالوادور، توسط کارگران وابسته به "سندیکای فزنی سالوادور" اشغال گردید. این کارگران وابسته به سازمان مارکسیست - لنینیستی بلوک انقلابی خلق ال سالوادور هستند. خواستار باز شدن چندین کارخانه بودند که توسط صاحبان آنان تعطیل شده بود. این نوزدهمین باری است که در عرض ۱۳ ماه اخیر کلیسای سان سالوادور اشغال می شود. در ماه گذشته در طی تظاهراتی به نفع "بلوک انقلابی خلق" تظاهرکنندگان این کلیسا را اشغال کردند. که در پی یورش وحشیانه پلیس ۱۹ تن کشته شدند.

در روز دوم بهمن ماه به درخواست سازمان های سندیکایی ال سالوادور، مردم این کشور دست به نوبت اعتصاب عمومی زدند که با راهپیمایی یکصد هزار نفری مردم پایتخت همزمان بود. این راهپیمایی نمایشی از همبستگی و وحدت چهار گروه مارکسیستی بود. در پی این مراسم گارد به اصطلاح ملی در یک یورش به تظاهرکنندگان بیش از ۲۴ تن را کشته و ۱۲۵

عملیات جسورانه گروه های چریکی چپ ال سالوادور در چند ماه اخیر ناتوانی رژیم نظامی این کشور را برای آرام کردن اوضاع نشان داده است. اکثریت سه گروه چریکی مسئولیت این عملیات را به عهده می گیرند اما رشد و قدرت سازمان های توده‌ای در سال های اخیر تهدید بیشتری برای رژیم نظامی این کشور به حساب می آید. بزرگترین فعال ترین این سازمان ها "اتحادیه (بلوک انقلابی خلق ال سالوادور)" است که پایگاه وسیعی در بین طبقه کارگر، دهقانان، معلمان دانشجویان و زانغ نشین ها دارد. این سازمان در زمان تاسیس خود (سال ۱۹۷۵) نقش مهمی در رهبری و سازماندهی مبارزات گروه ها علیه رژیم نظامی کشور داشته است. اگرچه وسیعترین پایه این اتحادیه در بین روستاییان است، اما این سازمان طبقه کارگر را در رأس اتحاد کارگران - دهقانان می داند و آن را کلید ایجاد "جبهه انقلابی خلق" می شمارد. سازمان دیگر "جبهه اتحاد عملیاتی مردم و خلق" است که در سال ۱۹۷۴ شروع به فعالیت کرده و کوشش های مشابهی در متحد کردن اقشار مردم دارد.

شدت گرفتن فعالیت های انقلابی علیه نظام سرمایه داری وابسته به اوج گیری سیاست های فاشیستی و کشتارهای برنامه ریزی شده توده های دهقانی و دیگر زحمتکشانی از جانب رژیم نظامی ال سالوادور همراه بوده است. همچنین پیدایش سازمان های جدید فاشیستی از جانب امپریالیست ها در این کشور نمونه دیگری از اوج گیری این سیاست است.

باند ها و سازمان هایی که توسط "سیا" سازمان یافته شده است جزوات خود را بنام "جبهه آزادی اصل مبنی بر جنگ با کمونیسم برای نابودی کامل آن" منتشر می کنند.

نقش این سازمان ها همانند دیگر گروه های مسلح فاشیستی در تمامی کشورهای امریکای لاتین مانند "جوخه های مرگ" یا "اتحادیه طبقه کمونیسم" در برزیل، آرژانتین، گواتمالا و... است که به صورت ابزارهای سرکوب رژیم های نظامی علیه نهضت های مردمی عمل می کنند. این گروه ها به تظاهرات مردم حمله می کنند، دفاتر سازمان های انقلابی و ترقی خواه را به آتش می کشند و به شکار انقلابیون و نیروهای ضد امپریالیست می پردازند.

اما مبارزات قهرمانانه توده های زحمتکش ال سالوادور و دیگر خلق های امریکای مرکزی، هر چه بیشتر گند بدیگی و احتضار امپریالیسم را به نمایش می گذارد و شکستگی سیاست های سرکوبگرانه آنان را برملا می سازد. مبارزات قهرمانانه ای که قیام های توده‌ای را نوید می دهد که با درهم شکست سلطه امپریالیست ها جمهوری دمکراتیک خلق را در این کشورها برقرار نماید.

(۱) - شهرسیمون، شهری است که باغات مزبور در آن قرار دارد و تنها بندر کستاریکا در منطقه کارائیب، سواحل اقیانوس اطلس می باشد که محصولات ارسالی از اروپا و نفت در آن تخلیه می گردد.

(۲) - سه نیروی عمده چریکی عبارتند از نیروهای آزادی ملی - نیروهای مسلح مقاومت ملی و ارتش انقلابی خلق.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

"سازشکاران بداند، کارگران بیدارند"

سیزدهمین سال درگذشت رهبر ملی دکتر مصدق را گرامی بداریم و هشت میراث خواران او را بازکنیم



در صفحه ۲



۱۴ اسفند سالروز درگذشت دکتر مصدق رهبر ملی و میهن پرست ایران است. دکتر مصدق که در طی مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم قهرمان ایران از دوران انقلاب مشروطیت به همراه دهخدا و مدرس در زندان و تبعیدگاه های رضاخان با دشمنان مردم ما به نبرد برخاسته بود توانست جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک ایران را علیه سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم انگلیس در سال های ۲۹-۳۲ رهبری و هدایت نماید. او مهمترین عامل وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم انگلیس را که چیزی جز نفت نبود محسور مبارزه قرار داد و حول آن دست به بسیج سیاسی زد. بدین منظور در مهرماه سال ۱۳۲۸

حزب شود. این روش حزب توده "که تا قبل از ۳۰ تیر ادامه داشت، این بار به سیاست راست روانی مبدل شد که به دنبال روی صرف از نمایندگان بورژوازی ملی انجامید. نتایجی که سیاست های چپ و راست "حزب توده" به بار آورد، نتایج بار آن شد که مبارزات مبارز و ناپسندگی های بورژوازی ملی آشکار شود و خلاصی را که عوامل فوق به وجود آورده بود، بایک سیاست پرولتاریائی برگرداند. جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک توده ها تعمیق باید و به پیروزی انجامد.

از سوی دیگر در جریان ملی شدن صنعت نفت و کسب پیروزی های چشمگیری که طی مبارزات مردم در سال های ۳۱-۲۹ به دست آمده بود، امپریالیسم امریکا کوشش کرد از تضعیف سلطه امپریالیسم انگلیس سود جست و به تدریج و با مانورهای موقعیت مناسبتی به دست آورد که با مقاومت دکتر مصدق و مبارزین روبرو شد. این امر ضرورتاً مبارزه ضد امپریالیستی را تعمیق بخشید. صف بندی جدیدی از نیروها شکل گرفت. جناح های سازشکار بورژوازی، از جمله بقائی، مکی و کاشانی از صف مبارزین خارج شدند و به صف دربار و امپریالیسم پیوستند. جریان های سیاسی - مذهبی، مثل فدائیان اسلام با سرانگشت امپریالیسم و آبادی داخلی اش به واسطه عقب افتادگی ذهنی شان با دکتر مصدق از در مخالفت درآمدند. مجموعاً این عوامل به اعتبار

بقیه در صفحه ۱۳

بین خلق ما و امپریالیسم و بهره گیری از توان خلق ها علیه امپریالیسم. از این جهت دکتر مصدق مبارزات خود را عمدتاً در سطح دیپلماتیک و دادگاه های بین المللی که می توانست مکمل مبارزات مردم ما باشد، پیش برد و در وجه داخلی در صدد برآمد که ارتش ضد خلقی و نهادهای سرکوب را تقریباً دست نخورده و بدون تغییر در اختیار گیرد. به همین دلیل پس از کشتار مردم بیگناه در ۲۳ تیر ۱۳۳۲ و یک سلسله توطئه ها توسط نیروهای مسلح ضد خلقی که شاه در رأس آن بود، دکتر مصدق تقاضای فرماندهی کل قوا و وزارت جنگ را نمود و چون با مخالفت شاه روبرو شد در ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا کرد. توده های مردم به حمایت از او به خیابان ها ریختند و طی کشتار مردم در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ توسط ارتش، شاه تسلیم شد و دکتر مصدق توانست به وزارت جنگ و وزارت دفاع را اشغال کند. اشتباه بزرگ دکتر مصدق از اینجاست آغاز شد که با تصفیه چندین نفر از سران ارتش به حساب خود آن را بی خطر ساخت و لایحه دکتر مصدق از درک ماهیت ضد خلقی ارتش غافل ماند. همان طوری که نتوانست ماهیت امپریالیسم جهانی را در رابطه با اشتراک منافعشان به درستی دریابد.

چنین اشتباهاتی توانست توجیه مناسبی برای سیاست های چپ روانه و انحرافی حزب توده و در نتیجه گمراهی توده های کارگر و بخش هایی از توده های هوادار

در محله فقیرنشین "درب دلاکان" خرم آباد به دنیا آمد. به هنگام اوگیری و اعتلای جنبش در سال گذشته، رفیق نعمت در تمام سنگرهای مبارزه زحمتکشان خرم آباد حضور فعال و موثر داشت. پس از قیام رفیق تمام اوقات خود را صرف روشنگری زحمتکشان محلات فقیرنشین خرم آباد و افشای لیبرال ها و توطئه های ارتجاعی وابسته به آن نمود. جای نعمت در میان زحمتکشان و محلات فقیرنشین خرم آباد خالی است.

یاد رفیق نعمت احمدی گرامی باد



مرگ ناپهنگام رفیق نعمت احمدی که در تاریخ ۱۴ بهمن در یک حادثه تومیل اتفاق افتاد، محله های زحمتکشان خرم آباد را در غم سنگینی فروبرد. رفیق احمدی در سال ۱۳۳۰

چه کسی مسئول شکنجه و مرگ فجیع این دانشجوی مبارز است؟

دانشجوی دانشکده علوم "سعید عقیقی" را حدود ۲۰ روز پیش در مسیر خانه اش می ربایند و جسد قطعه قطعه شده اش را با آثار و علائم شکنجه و جاقو سوختگی با آتش سیگار در حومه شهر رها می کنند. ما از همه مقامات مسئول خواستار دستگیری و معرفی و افشاء عاملین این جنایت هستیم. ضمانت مناسب سومین روز شهادت دانشجو سعید عقیقی مراسم در روز پنجشنبه ۸ اسفند ماه ساعت ۲ بعد از ظهر در دانشکده علوم با شرکت همه دانشجویان برگزار شد.

مردم مبارز کرمانشاه، کارگران زحمتکشان، دانش آموزان، دانشجویان، سربازان و معلمین مبارز. بار دیگر جنایتی هولناک در این گوشه از خاک میهن خونبارمان به وقوع پیوست. بعد از صد ها نمونه قتل و تروار آتش زدن کتابفروشی ها، حمله به راهپیمایی های اعتراضی و حق طلبانه مردم و نیروهای انقلابی، تعقیب و دستگیری های تجاوزگرانه و غیر مجاز که بطور گسترده توأم با رشدها و تقویت روز افزون باند های سیاه و شبه ساواک نیز بوده است. اکنون شاهد نمونه ای دیگر هستیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر